

آموزش فا در کنفرانس فای نیویورک ۲۰۱۹

۲۰۱۹مه ۱۷

لی هنگجی

صبح بخیر!

(حضار می گویند: صبح بخیر استاد!)

این روزها یک کنفرانس فا در سال داریم و برخی از شما از مسافتی بسیار دور آمده‌اید، برخی نیز از چین آمده‌اند و از این رو هزینه‌های سفر زیاد است. برای کنفرانس‌های سالانه‌مان ده‌ها میلیون خرج سفر، غذا و محل اقامت می‌کنید زیرا این کنفرانس‌ها را به‌عنوان فرصتی می‌بینید تا در تزکیه رشد کنید و از تجربه‌های یکدیگر یاد بگیرید. این امر نشان می‌دهد که تزکیه‌کنندگان رشد معنوی خود را بسیار جدی در نظر می‌گیرند. میدان دافا باید سه‌کار را به‌خوبی انجام دهند. اما اگر خود را به‌خوبی تزکیه نکنید، نمی‌توانید آن‌ها را به‌خوبی انجام دهید. البته متوجه هستیم که برخی از شما این را به‌عنوان فرصتی برای دیدن من نیز در نظر می‌گیرید. اما در هر حال، باید به‌خاطر داشته باشید که این فا اینجا قرار دارد و می‌تواند تزکیه‌تان را راهنمایی کند.

درحالی که بخشی از این دنیای عادی هستیم به‌شیوه‌ای عادی به زندگی می‌پردازیم و مجبورم برخی کارها را به‌شیوه‌های بشری انجام دهیم. بسیاری از امور بشری را نمی‌توان با شیوه‌های خدایی اداره کرد. از این رو از شما می‌خواهم کارهای‌تان را بر اساس آموزش‌های فا انجام دهید. این فا است که رسیدن تا این مرحله را برای شما ممکن ساخته است. از طریق پیروی از فا است که مسائلی مانند کنفرانس امروز و نیز رشد معنوی‌تان تا این مرحله پیش رفته است. منظورم این است که اگر به‌خاطر حضور فا نبود، آن را تا جایی که امروز رسیده‌اید با موفقیت طی نمی‌کردید. بنابراین برای مرید دافا، تزکیه همیشه اولین و مهمترین است و مخصوصاً در این مرحله پایانی این گونه است.

درخصوص مرحله پایانی، خود شما دیده‌اید که تغییرات در این دنیا به موازات تغییرات بزرگتر کیهانی در حال روی‌دادن هستند. برای مثال، آزار و شکنجه شیطان علیه مریدان دافا در حال رسیدن به بن‌بست است و شیطان به‌سختی می‌تواند دیگر خود را سرپا نگه‌دارد؛ فقط این‌طور است که ماشین آزار و شکنجه هنوز در حال کار است. اما همان‌طور که اشاره کردم، درحالی که تا این مرحله را با موفقیت طی کرده‌ایم، باید در کارهای مقررشده حتی بهتر عمل کنیم، چراکه هر چه به‌سمت انتها می‌رویم مسائل حیاتی‌تر می‌شوند. روزهای اولیه را که موقعیت بسیار دشوار و امور بسیار اهریمنی بود با موفقیت پشت‌سر گذاشتید، پس دلیلی وجود ندارد که اکنون و در این مرحله پایانی بازهم بهتر عمل نکنید. وقتی آزار و شکنجه در ابتدا شروع شد، رسانه‌های دنیا عمداً ماجراهای گمراه‌کننده رسانه‌های دولتی حزب کمونیست چین را منتقل می‌کردند و برای مردم سخت بود که پی ببرند واقعاً چه خبر است. اما حتی در آن موقعیت‌های سخت، مریدان دافای سراسر دنیا از عهده آن برآمدند تا با تشریح حقایق به مردم، نگرش آنان را تغییر دهند و بر آن مشکلات فائق آیند. پس حالا که در انتها هستیم، باید تمام آنچه را که انجام داده‌اید گرامی بدارید و در تزکیه‌تان سست نشوید، قطعاً نباید سست شوید.

درحال مشاهده بوده‌ام و دیده‌ام که برای بسیاری از مریدان دافا در چین سخت بوده که تحت تأثیر اجتماع قرار نگیرند، اجتماعی که روابط، رفتار و شیوه تفکر مردم منحرف شده است. اگرچه مریدان دافا قرار است از دافا پیروی کنند، به‌محض اینکه از خانه بیرون می‌روند، در معرض نحوه تعامل مردم در دنیای عادی قرار می‌گیرند و مسائل در سراسر آن جامعه منحرف است. و به این شکل مجبورند با آن همراه شوند و به مرور زمان، شروع می‌کنند با نحوه تعامل مردم آنجا همراه شوند و حتی به آن شیوه‌های تفکر و رفتار در زندگی عادت می‌کنند و آن را عادی در نظر می‌گیرند. از این رو بسیاری از مردم چین که به خارج از کشور می‌روند از اینکه چقدر مردم هنگام صحبت یا حتی هنگام انجام کارها ساده و آرام هستند شوکه می‌شوند. برعکس، مردم چین به‌شکل

افراطی به امور می‌پردازند و درباره مسائل اغراق می‌کنند. وضعیت روانی آنان این گونه است. اما موجودات بشری نباید این گونه باشند. بنابراین اگر چنین شیوه تفکر یا رفتار را همراه خود به خارج از مرزهای چین بیاورید، مردم آن را طرد می‌کنند.

برای دیگران تقریباً همیشه غیرممکن است که مردم چین را درک کنند و مردم متعجب می‌شوند که چرا چینی‌ها این گونه هستند. علتش این است که ح.ک.چ پلید به طور عمد رفتار و شخصیت مردم چین را تباه کرده و این کار را به طور نظام‌مندی انجام داده است. این حزب برخلاف فرهنگ سنتی، اخلاقیات و ارزش‌های جهانی عمل کرده است. همه آنچه از چین باقی مانده آن چیزهای افراطی کمونیستی است که متفاوت از آنها است. مردم فقط زمانی می‌توانند خود را باز یابند که مدتی طولانی در خارج از کشور زندگی کرده باشند.

برخی از تمرین‌کنندگانی که در چین بودند اکنون در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند و ممکن است در محیط چین به خوبی عمل نکرده باشند. پس این تمرین‌کنندگان حتی باید بیشتر خود را به خوبی تزکیه کنند و در محیط جدید کارهای مقرر شده را به خوبی انجام دهند. کارها را با تفکر افراطی انجام ندهید و گرنه ممکن است در محیط مریدان دافا در آنجا، نقش مخربی داشته باشید. باید بدانید که مردم خارج از چین معمولاً پشت سر دیگران صحبت نمی‌کنند. بسیاری از مردم ارزش‌های پذیرفته‌شده جهانی و تفکر و رفتار ساده و صادقانه‌ای دارند و سعی می‌کنند فرد خوبی باشند و با دیگران به خوبی رفتار کنند. سعی نمی‌کنند برای پیشرفت خود، دیگران را خراب کنند؛ کاری که مردم چین انجام می‌دهند. از این رو بسیاری از شما که شیوه انجام کارها و عادت‌هایی دارید که در چین شکل داده‌اید، حالا که در خارج هستید واقعاً باید تغییر کنید. در این باره صحبت می‌کنم زیرا اکنون افراد بیشتر و بیشتری در حال خارج شدن از چین هستند و تعداد آنها بیشتر از تعداد تمرین‌کنندگانی است که در ابتدا در سایر کشورها زندگی می‌کردند؛ الان حتی اکثریت را تشکیل می‌دهند. پس به همین دلیل باید بیشتر مراقب آن باشید.

آیا می‌دانید که وقتی در آن روزهای اولیه‌ای که آزار و شکنجه همه‌جانبه مریدان دافا شروع شده بود، در چین وضعیت آن گونه بود و در سراسر دنیا نیز گرچه خشونت اعمال نشد، فشار، قضاوت و سوءتفاهم‌هایی که مریدان دافا تحمل کردند بسیار سخت بود و آنها ناشی از پخش شایعات فریب‌آمیز رسانه‌های ح.ک.چ از سوی رسانه‌های سراسر دنیا بود. در آن زمان هیچ‌کسی از حقیقت آگاه نبود و تعداد محدودی از مریدان دافا در خارج از چین وجود داشتند، اما به طور تأثیرگذاری کارها را انجام دادند. آنان رسانه خودشان را تأسیس کردند و همچنین تیم‌های بسیاری که حقیقت را برای دولت و رسانه‌ها و غیره روشن می‌کردند. با این تلاش‌ها از عهده این برآمدند تا وضعیت خارج از چین را برگردانند و دروغ‌ها و سوءبرداشت‌هایی را خنثی کنند که رسانه‌های حزب سرور درباره مریدان دافا در مردم ایجاد کرده بودند. این خارق‌العاده بود. وضعیتی که امروزه داریم به راحتی حاصل نشده است و این چیزی است که واقعاً آن را گرمی می‌دارند. بنابراین نمی‌خواهم بینم تمرین‌کنندگانی که از چین می‌آیند و تفکر و کردارشان آمیخته با ویژگی‌های کمونیستی است، وضعیت اینجا را خراب کنند. این را می‌گویم زیرا موارد بسیاری دیده‌ام که غیرتمرین‌کنندگانی که از چین می‌آیند روی مردم سایر کشورها تأثیر بدی به جای می‌گذارند. رفتارشان بسیار شرم‌آور است و باعث می‌شود چینی‌ها بد به نظر بیایند. این گونه نباشید. به عنوان کسی که به دنبال رشد معنوی هستید، باید از کوتاهی‌های خود آگاه باشید. موضوع فقط تصویری که از چینی‌ها ارائه می‌دهید نیست. بلکه مهم‌تر از آن است، زیرا مسئولیتی که بر دوش شماست نجات همه مردم دنیا است. پس باید تفکر و رفتارتان را تغییر دهید.

فکر نکنید که مردم خارج از چین ساده لوح هستند. گرچه تفکرشان به طور نسبی ساده است، فرد هرچه ذهن‌اش ساده‌تر باشد، بهتر می‌تواند ماهیت مسائل را ببیند. این افراد به شیوه شما مسائل را بیان یا درباره آنها صحبت نمی‌کنند، اما خیلی خوب می‌دانند موضوع چیست. ساختار فکر موجودات بشری شبیه هم است و همه آنها مثل همدیگر از هوش برخوردارند. این گونه نیست که سایر افراد، کمتر باهوش باشند. افراد غیرچینی حدود مرزهایی دارند که در فکر و عمل، آنها را زیر پا نمی‌گذارند و استانداردهای اخلاقی دارند و بنابراین به شیوه برخی از چینی‌های سرزمین اصلی کارها را انجام نمی‌دهند. یکی از گرایشاتی که مردم در چین رشد می‌دهند این است که نوشتار یا رویکردشان به مسائل بسیار افراطی است. این شیوه از تفکر و رفتار واقعاً چیزی نیست که سایرین بخواهند پذیرای آن باشند. قبل از ظهور ح.ک.چ پلید، مردم چین ارزش‌های خوبی داشتند و می‌کوشیدند بافضیلت باشند. علت اینکه ح.ک.چ پلید کمپین‌هایی را یکی پس از دیگری راه‌اندازی کرد این بود که مردم چین در

گذشته بسیار متمدن بودند و مانند سایرین ارزش‌های جهانی مشابهی داشتند. هر یک از کمپین‌های پیاپی به این منظور بود که فرهنگ چین را نابود کند، نخبگان فرهنگی را پایین بکشد و مردم را با چیزهای کمونیستی اهریمنی آشنا کند. انگیزه‌شان کاملاً روشن بود: تفکر و رفتار مردم چین را به چیزی پست و بی‌ارزش تبدیل کنند. از آنجاکه میدان دفاعی بیشتر و بیشتری در حال آمدن به خارج برای زندگی کردن هستند، این مشکلات بیشتر خود را نشان می‌دهند و از این رو باید به آن اشاره می‌کردم. واقعاً باید به این موضوع توجه کنید.

موضوع دیگر این است که به‌عنوان میدان دافا در فعالیت‌هایی که با همه تیم‌های روشنگری حقیقت انجام داده‌اید واقعاً تأثیر عظیمی در روشن کردن حقیقت و نجات مردم داشته‌اید. خارق‌العاده است! موضوع این نیست که آنچه انجام می‌دهید چه اندازه و مقیاسی دارد، بلکه موضوعی است از نتایجی که حاصل شده، قلبی که روی آن کارها گذاشتید و اینکه مانند تزکیه‌کننده به آنها پرداخته باشید. آنهایی که سال‌های بسیاری را خارج از کنسول‌گری‌ها و سفارتخانه‌های چین و در مکان‌های روشنگری حقیقت گذرانده‌اند حقیقتاً خارق‌العاده هستند. برخی از آنان تمرین‌کنندگان مسن هستند و از این رو برخی گفته‌اند که این تمرین‌کنندگان مسن برای آن فعالیت‌ها «بسیار مناسب» هستند. بسیار خوب، پس بگذارید از کسانی که این را می‌گویند بپرسم: خیلی خوب است که جوان هستید، اما شما در حال انجام چه کاری بوده‌اید؟ برای تمام میدان دافا موضوعی از این وجود دارد که وقت خود را صرف انجام چه کاری می‌کنید.

تمرین‌کننده‌ای یکبار از من پرسید: «استاد، چه تعداد باید از ح.ک.چ خارج شوند تا حزب سرنگون شود؟» (استاد می‌خندند) من پنج انگشت دستم را بالا بردم. او فکر کرد: «اوه، پنج‌هزار نفر و بعد حزب سقوط خواهد کرد.» (خنده) در زمان بسیار کمی پنج‌هزار نفر خارج شدند. سپس او فکر کرد: «چطور ممکن است؟ استاد پنج انگشت خود را بالا برد... اوه، باید منظورش پنجاه‌هزار نفر باشد.» به سرعت پنجاه‌هزار نفر خارج شدند. سپس فکر کرد: «این طور به نظر نمی‌رسد. پس چرا استاد پنج انگشت خود را بلند کرد؟ اوه، باید منظورش پانصد‌هزار نفر باشد.» (استاد می‌خندند) اکنون فراتر از ۵ میلیون و نیز ۵۰ میلیون رفته است و حالا تعداد بیش از ۳۰۰ میلیون نفر است. چین جمعیتی بالغ بر یک‌ونیم میلیارد نفر دارد و پنج‌هزار نفر چیزی نبود. (استاد می‌خندند) در واقع منظورم چیزی نمادین بود. نکته این بود که کارهایی که در حال انجام آن هستیم مهم هستند و آنها ضربه‌ی مرگباری بر روحیه ح.ک.چ پلید وارد کرده‌اند. عملکرد ح.ک.چ در زمان حاضر چگونه است؟ همه اعضای آن، به‌جز تعدادی کمی که در مسند قدرت هستند، می‌پرسند: «چه زمانی سقوط می‌کند؟» آنها در تلاش برای تدارک راه‌گریزی هستند برای زمانی که سقوط می‌کند. همه آنها در حال مهیا شدن برای پایانش هستند. تلاش می‌کنند پول خود را به خارج منتقل کنند، فرزندان‌شان را به خارج بفرستند و اقامت قانونی بگیرند، شامل پاسپورت برای خودشان در کشورهای دیگر؛ آماده می‌شوند که به‌محض اینکه سقوط کرد فرار کنند. همه آنها بر این باورند که پایان نزدیک است.

آنها برای حفظ رژیم، در حال فریب یکدیگر هستند. بسیاری از مأموران ویژه آنان به آن وزغ شیطانی وفادارند و در حال فریب رئیس کنونی حزب هستند. حتی قبل از به‌قدرت رسیدن دولت کنونی چین، در حال تهیه گزارش‌های دروغ بودند و از آن زمان تاکنون به انجام آن ادامه داده‌اند. این دولت اطلاع کمی دارد که در مکان‌های دیگر خارج از چین واقعاً اوضاع از چه قرار است و گزارش‌های گمراه‌کننده‌ای که دریافت کرده‌اند ریشه‌اش به آن جیانگ شیطانی برمی‌گردد. سیاست‌هایی که صادر می‌کنند حتی نمی‌تواند فراتر از ادارات مرکزی، یا همان جونغ‌نان‌های، برود. مبارزات داخلی با گذشت زمان شدیدتر شده و با خشونت بیشتری در حال مبارزه هستند، بدون اینکه حدومرزی قائل باشند. رئیس کنونی حزب، بدون توجه به اینکه چه کاری انجام می‌دهد، اکنون ناتوان از این است که همه را خشنود کند و اعتماد اصلاح‌طلبانی که ذهنیت دموکراسی دارند و نیز دارودسته ح.ک.چ، هردو را از دست داده است. هیچ کسی واقعاً به او وفادار نیست.

همان طور که می‌توانید ببینید، چیزی به پایان عمر این حزب پلید نمانده است. وجود ح.ک.چ و آزار و شکنجه میدان دافا دقیقاً به این منظور است که نیروهای کهن، میدان دافا را آزمایش کنند، مگر نه؟ چین مانند کوره داثوئیستی است، میدان دافا را گداخته و پالایش می‌کند و آتش شعله‌ور شده است. مانند آزمایش شدیدی است که طرح‌ریزی شده تا شما را از تفکر و وابستگی‌های بشری رها کند. البته بسیار دشوار است که این سختی را تحمل کرد، اما آنچه از آن حاصل می‌شود طلای حقیقی

است. ح. ک. چ. پلید در این فرآیند نقش زغال سنگ را دارد و هر چه شعله داغ تر باشد، سر حال تر به نظر می رسد. اما پس از خاموش شدن شعله نگاه دیگری بیندازید و خواهید دید که طلای ناب از آن حاصل شده است. و ح. ک. چ. پلید چه می شود؟ خاکستر. صرفاً با یک فوت، «پوف»، خاموش می شود. (تشویق) وقتی مریدان دافا مورد آزار و شکنجه قرار می گیرند مردم احساس تأسف می کنند، اما آنچه واقعاً غم انگیز است سرنوشت افرادی است که همراه با ح. ک. چ. پلید از بین رفته اند، واقعاً باید برای آنان متأسف بود. آنان باید برای تمام جنایاتی که این حزب شوم در سراسر تاریخ مرتکب شده پاسخگو باشند.

اگر درباره آن بیندیشید، رهبران [سابق] ح. ک. چ. پلید انواع و اقسام جنایات هولناک را مرتکب شده اند، اما از چیزهای بسیاری نیز لذت برده اند. در طول عمرشان انواع و اقسام کارهای پلید انجام داده اند و از تمام خوشی های در دسترس شان نیز لذت برده اند. اما رئیس کنونی حزب باید این را در نظر بگیرد: اگر به همراهی با حزب پلید ادامه دهید، احمق می خواهید بود که بار تمام جنایاتی را که حزب انجام داده به دوش می کشید. به عبارت دیگر، او کسی است که مسئولیت تمام جنایات ح. ک. چ. در انتها به عهده او خواهد بود. فکر کنم می توانید ببینید ارتباط آنها چیست. مگر نه؟ این بدین علت است که او رهبر ح. ک. چ. پلید است. گاهی اوقات به فکرم خطور می کند که او فکر می کند می تواند با استفاده از ح. ک. چ. قدرت خود را حفظ کند. ممکن است قبلاً این گونه می بود، اما حالا چه؟ در چین قبلاً این طور بود که حتی اگر کسی در توالی و تنها بود جرأت نمی کرد از ح. ک. چ. پلید انتقاد کند. واقعاً این گونه بود. شبیح کمونیسم همه جا بود. اکنون این شبیح اهریمنی در حال از بین رفتن است و همه مردم این حزب شوم را سرزنش می کنند. تقریباً این طور شده است که وقتی مردم با همدیگر مشغول غذا خوردن هستند، انتقاد از آن، بخش اجتناب ناپذیری از گفتگوی آنان شده و اگر کسی از آن بد نگویید دیگران فکر می کنند او مشکل دارد. اکنون این گونه است. (تشویق) در این مرحله، ح. ک. چ. در لبه سقوط در حال تلوتلو خوردن است و با این حال، هنوز به آن متکی هستید تا به شما کمک کند قدرت را حفظ کنید. آیا مرتکب اشتباه محاسباتی وحشتناکی نمی شوید؟ ح. ک. چ. به شما متکی است تا به حیات ادامه دهد، نه برعکس! اگر امروز شخص در مسند قدرت صرفاً می گفت: «دیگر ح. ک. چ. را نمی خواهیم»، حتی یک روز هم دوام نمی آورد. فردای آن روز از بین می رفت. (تشویق) زیرا هر کسی در انتظار آن روز است. (تشویق) می گویم شخص در مسند قدرت در حال انجام کاری بسیار احمقانه بوده است.

اما هر چه باشد، ما مسائل را به وضوح می بینیم. الان در این باره صحبت می کردم که اکنون امور در چه وضعی هستند. در این مرحله عوامل کمتری وجود دارد که بتوانند مریدان دافا را آزمایش کنند و مقدار کمی ذغال سنگ باقی مانده است. طلای حقیقی خیلی بیشتری نمی توان ساخت. پس آیا نمی گوئید که آتش در حال خاموش شدن است؟ این در آستانه وقوع است. (تشویق پرسور) پس چه چیزی بلافاصله پس از آن روی می دهد؟ به کمال رسیدن سفر معنوی مریدان دافا خواهد بود، مگر نه؟ (تشویق) حتی اگر برخی مریدان دافا در دوره اصلاح دنیای بشری توسط فا، همراه من ادامه دهند، هنوز باید مرحله نتیجه گیری داشته باشیم. این روندی که مریدان دافا در دوره اصلاح فا از میان آن گذشته اند واقعاً بسیار حیاتی و مهم است. در خصوص مسائل بعد از آن، زیاد درباره آن صحبت نمی کنم.

دیشب در جشنی در کوهستان، در این باره گفتم که اغلب چگونه درباره نیروهای کهن صحبت کرده ام. این مفهوم برای شما روشن اما تا حدی نیز مبهم است، که نیروهای کهن چگونه پدید آمدند. در واقع اگر درباره آن بیندیشید، برای ظهور نیروهای کهن دلایل تاریخی وجود دارد. کیهان از روند شکل گیری، ایستایی، فساد و انهدام می گذرد، در حالی که موجودات بشری دستخوش تولد، پیری، بیماری و مرگ می شوند. همان طور که می دانید، وقتی کسی در ده سالگی، یا پانزده، شانزده، هفده، یا هجده سالگی است، در روند رشد و «شکل گیری» است و بعد حدود هجده، نوزده یا بیست سالگی تا سی سالگی او در روند «ایستایی» است؛ سپس با شروع از حدود چهل سالگی شروع به افول می کند، که همان روند «فساد» است. وقتی بدنش بسیار نحیف و ضعیف می شود و تا مرگ به پیر شدن ادامه می دهد، آن روند «انهدام» است.

برای موجودات بشری این روند خیلی کوتاه است، اما آیا پی می برید که این روند برای کیهان چقدر طولانی است؟ و معنی آن برای بدنی کیهانی که اندازه بزرگتری دارد چیست؟ بهترین سعی ام را می کنم تا کلماتی را برای توصیف آن بیابم. مرحله شکل گیری، بی شماری شمار تریلیون سال بسیار زیادی طول می کشد. و می توانید تصور کنید که چه تعداد موجود در طول آن

بی‌شمار تریلیون سال بسیار زیاد، به‌وجود آمدند و در نهایت از بین رفتند! موجودات خدایی نیز از روند چرخه‌ای گذر می‌کنند؛ این‌گونه نیست که هرگز نمی‌میرند. اما آنها می‌دانند که چه زمانی قرار است بمیرند و می‌دانند که چه زمانی قرار است متولد شوند. فقط این‌گونه است که حافظه گذشته خود را با خود نمی‌آورند. تفاوت عمده این است که عمرشان بسیار طولانی است و در برخی مراحل ممکن است حتی زندگی برایشان ملال‌آور باشد. در طول روندی که توصیف کردم، همزمان که زندگی موجودات از چرخه‌هایی می‌گذرد، دوباره نو می‌شود. اما موجودات در این روند چرخه‌ای متوجه نمی‌شوند که در طول فقط روند شکل‌گیری به‌تنهایی، بی‌شمار تریلیون بار متولد شده‌اند. با استفاده از واژه «تریلیون» توصیف می‌کنم چراکه بزرگترین واحدی است که مردم معمولاً برای شمارش استفاده می‌کنند؛ استفاده از بی (صد میلیون) نیز برای واحد شمارش کافی نمی‌بود؛ موضوعی از بی‌شمار تریلیون است. این تعداد حتی برای موجودات خدایی نیز تصورناپذیر است چه رسد برای انسان‌ها. گستره زمان در کیهان به‌طور خارق‌العاده‌ای طولانی است.

بعد مرحله ایستایی وجود دارد که طولانی‌ترین مرحله است. حتی اگر هر تعداد تریلیون هم استفاده کنیم به هیچ شکلی نمی‌توان طول زمان بسیار طولانی و مدت این مرحله را توصیف کرد. حتی یک موجود نیز در کیهان وجود ندارد که توانسته باشد یکسره از میان شکل‌گیری، ایستایی، فساد و انهدام کیهان گذر کرده باشد، یا حتی از مرحله شکل‌گیری به ایستایی گذر کرده باشد. حتی بالاترین موجودات در کیهان نیز، بدون توجه به اینکه چقدر سطح‌شان بالا باشد، نتوانسته‌اند. شبیه این است که در روندهای متابولیسم بدن انسان، سلول‌های اولیه فرد، دیگر حضور ندارند. برای همه موجودات این‌گونه است، به جایگزین یکدیگر شدن ادامه می‌دهند. با توجه به اینکه این مراحل بسیار طولانی هستند، اگر از موجودی از مرحله ایستایی می‌پرسیدید که در طول مرحله شکل‌گیری، امور به چه شکل بود، او هیچ ایده‌ای نداشت، حتی اگر سعی می‌کرد آن را تصور کند.

وقتی به دوره فساد می‌رسد، این نیز دوره‌ای طولانی است، مدت‌زمانی بسیار طولانی، بی‌شمار تریلیون سال. این تعداد شبیه تعداد ذراتی است که این فضای اینجا را پر کرده‌اند، تصور کنید اینجا چه تعداد ذره در هوا وجود دارد! اگر از موجودات سطوح بسیار بالا در مرحله فساد می‌پرسیدید که موجودات در مرحله ایستایی شبیه چه بودند، هیچ ایده‌ای نداشتند. و چرا نداشتند؟ زیرا در طول این روند حتی فانی‌ترین منحرف شده است، هر چیزی در طول این روندهای تولد، پیری، بیماری و مرگ، یا شکل‌گیری، ایستایی، فساد و انهدام، در حال تغییر بوده‌اند.

وقتی به مرحله انهدام می‌رسد، آن نیز روندی بسیار طولانی است و در انتها به‌سوی انهدام کامل رهسپار می‌شود. این دوره نیز با واژه بی‌شمار تریلیون سال اندازه‌گیری می‌شود. و در مدت این مرحله، تعداد بی‌شمار خدا در تمام سطوح، حتی خدایان بزرگتر، خدایان بازم بزرگتر، پادشاهان، لردهای سطوح مختلف وجود دارند. اگر از آنها می‌پرسیدید که کیهان در طول دوره ابتدایی یا میانی به چه شکل بود، هیچ ایده‌ای نمی‌داشتند.

پس چه چیزی باعث ظهور نیروهای کهن در طول اصلاح فای من شد؟ اگر فا را اصلاح نمی‌کردم و آن را به وضعیت اولیه آن از چرخه شکل‌گیری، ایستایی، فساد، انهدام بر نمی‌گرداندم، مطمئناً نمی‌توانست اصلاح فا در نظر گرفته شود. (تشویق) اما هیچ‌یک از خدایان سطوح بسیار زیاد در طول مرحله انهدام، هیچ ایده‌ای ندارند که آن شبیه چیست، چراکه آنها موجودات خدایی مرحله انهدام هستند. اگرچه در میان خدایان سطوح مختلف، تفاوت‌هایی در قلمروشان وجود دارد، هیچ‌یک از آن سطوح نمی‌توانند مطابق با استانداردهایی باشند که در ابتدا بودند. کل کیهان تباه شده بود و از این رو به‌سوی انهدام رهسپار شد. چیزی که نیروهای کهن را شکل داد، دقیقاً همان موجودات دوره انهدام بودند، موجوداتی که به من گفتند: «اصلاح فای تو به این شکل عمل نمی‌کند. هرگز چنین چیزی قبلاً ندیده‌ایم. آن موفق نخواهد شد. ما به تو کمک می‌کنیم موفق شود.» و به این شکل به انجام کاری پرداختند که انجام دادند. اما استاندارد آنها چیست؟ آنها خدایان دوره انهدام هستند، پادشاهان مرحله انهدام کیهان هستند، پس فکر می‌کنید خدایانی که می‌خواستند مشارکت کنند و به من کمک کنند تا فا را اصلاح کنم چه چیزی را می‌توانستند به انجام برسانند؟ بالاترین استانداردها چه چیزی نیست به‌جز بالاترین استاندارد مرحله انهدام کیهان. پس اگر امور به شیوه آنها انجام می‌شد، آیا فا واقعاً اصلاح می‌شد؟ اگر با آنان همراه می‌شدم، آیا واقعاً اصلاح می‌شد؟ اگر استانداردهای آنها استفاده می‌شد، آیا

چیزها می‌توانست به وضعیت اولیه شکل‌گیری برگردد؟ چیزها صرفاً به استاندارد مرحله انهدام برمی‌گشت و هیچ پیشرفتی حاصل نمی‌شد. می‌توانید تصور کنید که چقدر از بنیادی‌ترین استاندارد کیهان، از استاندارد مرحله شکل‌گیری، دور می‌بود.

ممکن است تعجب کنید که چگونه توانستند این قدر بی‌پروا باشند و چگونه جرأت کردند چنین کارهایی را انجام دهند. آنها واقعاً باور دارند که درست هستند. تفکر بالاترین سطح موجودات نیروهای کهن این بوده است: «من بالاترین خدا هستم و این چیزی است که می‌دانم. هیچ دانشی بالاتر از دانش من وجود ندارد، حقیقت این است.» اما متوجه نشده‌اند که استاندارد آنها استاندارد مرحله انهدام است. گاهی اوقات وقتی درحال آموزش فاهستم، مریدان دافا آن را درک می‌کنند درحالی که نیروهای کهن درک نمی‌کنند. گاهی اوقات فکر می‌کنم صرفاً وانمود می‌کنند که درک نمی‌کنند. اما چرا این‌گونه هستند؟ علت بنیادی آن این است که چون من بدن بشری دارم و کم و بیش شبیه موجود بشری رفتار می‌کنم و آنان فکر می‌کنند که مانند موجودات خدایی رفتار می‌کنند، رویکردشان این است که: «چگونه می‌توانیم بهتر از تو نباشیم؟» و مانع آنها همین است! فایه که آموزش داده‌ام با کلماتی صریح و اصولی ساده بیان شده‌اند و نیاز نیست چیزی را حدس بزیند؛ هر چیزی به‌طور واضح بیان شده است. اما موجودات در دوره انهدام عادت دارند هر چیزی را رمزگشایی کنند و معنی آن را حدس بزنند و نتیجه‌گیری کنند و فکر می‌کنند فرد قرار است برای کشف ماهیت واقعی چیزی تلاش بسیاری صرف کند. به این عادت کرده‌اند. بنابراین، درحالی که فایه که آموزش می‌دهم برای موجودات بشری رمزآلود نیست، به‌رحال آنها نمی‌توانند به ماهیت آن پی ببرند چراکه باور نمی‌کنند این فاه این قدر ساده و واضح باشد. بنابراین گاهی اوقات ساده و واضح بودن زیاد باعث می‌شود برای آنها «رمزآلود» باشد؛ آنها از فقدان رمز و راز، سردرگم شده‌اند. (استاد می‌خندند) واقعاً این‌طور است. حالا می‌دانید نیروهای کهن چگونه پدید آمدند.

هیچ موجودی به‌طور حقیقی نمی‌داند خواهان دستیابی به چه چیزی هستم، چراکه هیچ‌یک از خدایان بسیار بالای این دوره نمی‌دانند دوره شکل‌گیری کیهان چگونه بود یا اوایل مرحله شکل‌گیری چگونه بود. آنها بسیار از آن دورند و به همین دلیل است که نمی‌توانند [آنچه را که انجام می‌دهم] درک کنند. حتی گفته‌اند که: «ما نمی‌دانیم آنچه را می‌خواهی چگونه انجام دهیم. ما درحال انجام آن چیزی هستیم که نحوه انجام آن را می‌دانیم.» اما اگر نمی‌دانند چگونه انجام دهند، چه لزومی دارد در آن مشارکت کنند؟ آنها چنین چیزهایی می‌گویند: «هیچ انتخابی ندارم، آنهايي که بالاتر از من هستند از من خواسته‌اند این کار را انجام دهیم.» و وقتی درنهایت به بدترین آنان، به بالاترین موجود، رسیدم، آن موجود گفت: «آنچه انجام می‌دهم بهترین کار است. درحال کمک به تو هستم.» اما موجودات بی‌شماری نابود شده‌اند، موجودات بی‌شماری در سراسر کیهان.

به‌عنوان مریدان دافا باید از طریق پیروی از فایه که آموزش داده‌ام تزکیه کنید. زمانی گفتم: «می‌توانید به هر ارتفاع معنوی که می‌خواهید برسید، اگر شهامت آن را داشته باشید!» همان‌طور که می‌دانید، تزکیه راحت نیست. باید کارما را از بین ببرید، از میان آزمون و سختی بگذرید و با موقعیت‌های سختی که مردم شین‌شینگان را آزمایش می‌کنند مواجه شوید، که غلبه بر بسیاری از آنها دشوار است، چه رسد به آزمایش‌های بزرگتر. افرادی که این چیزها را می‌دانند از فکر کردن به آن نیز می‌ترسند. آن سخت است. درواقع بسیار سخت است! وقتی مسائلی بین شما و دیگران پیش می‌آید، هرچقدر هم بد باشد، هنوز هم باید به‌شکل مثبتی به آنها نگاه کنید، مانند: «اوه، این می‌تواند به من کمک کند رشد کنم.» و وقتی مشکلاتی بین شما و دیگران بروز می‌کند، مهم نیست چه کسی مقصر است؛ با تعمق درباره نقش خودتان در آن مسئله، شروع کنید. اگر تزکیه‌کننده‌ای نتواند از عهده این برآید که این عادت را شکل دهد، اگر نتواند به مسائل به شیوه‌ای برعکس نحوه نگرش مردم عادی نگاه کند، پس همیشه در سطح بشری متوقف می‌شود، حداقل درخصوص موضوعی که نتوانسته حل و فصل کند.

گاهی اوقات وقتی تضادهایی با دیگران بروز می‌کند نمی‌توانید آرام باشید، اما بعد از آن، آرام می‌شوید و درباره آن تعمق می‌کنید و متوجه می‌شوید که: «من درحال تزکیه هستم. درست نیست که این‌گونه باشم. این آزمایش را به‌خوبی نگذراندم.» همان‌طور که می‌دانید آن مطمئناً آزمایشی برای شما بود. زیرا همان‌گونه که آموزش دادم، از وقتی بخشی از اجتماع تزکیه‌کنندگان ما شدید، برای هر چیزی که در زندگی تجربه می‌کنید علتی وجود دارد و همه آنها برای رشد شما هستند. اما چند نفر از شما به‌جای آن، تقصیر را به گردن دیگری می‌اندازید و نه تنها به بیرون نگاه می‌کنید بلکه حيله‌گرانه رفتار می‌کنید. گاهی اوقات حتی وقتی به افراد کمک می‌کردم تا کاری انجام دهند، به صورت من نگاه می‌کردند و دروغ می‌گفتند یا بحث می‌کردند و عذر و بهانه

می‌آوردند. آنها را تماشا می‌کردم و فکر می‌کردم خیلی خنده‌دار است؛ در عین حال درک می‌کنم که مردم صرفاً این‌گونه هستند. تفکر بشری بر بخشی از شما که به‌طور کامل تزکیه نشده تسلط دارد و انسان‌ها صرفاً این‌گونه هستند.

چیزهایی را که برای زندگی در این دنیای بشری نیاز دارید برای شما نگه داشته‌ام و این مسئله باعث نمی‌شود تزکیه‌تان تحت تأثیر قرار گیرد؛ می‌توانید به زندگی عادی ادامه دهید. اما وقتی با مردم وارد تضاد می‌شوید، برای شما که مرید دافا هستید، آن لحظات بسیار حساس هستند، خواه درخصوص رشد خود شما باشد یا کار کردن با دیگران برای بهتر انجام دادن سه‌کار مقرر شده‌ای باشد که باید انجام دهید. برای رشد معنوی شما بسیار مهم است. در اوایل مسائل بسیاری وجود داشت که به‌خاطر مشکلاتی که برای خودتان ساختید خوب پیش نرفتند و بدین شکل کارهایی را که باید به‌خوبی انجام می‌دادید به‌خوبی انجام ندادید. در روزهای اولیه آزار و شکنجه، زمان‌هایی بود که با تفکر بشری به مسائل می‌نگریستید، به تضاد با یکدیگر ادامه می‌دادید و حتی بسیار عصبانی می‌شدید. اما آن عصبانیت و آن افکاری که هنگام تضاد با دیگران داشتید همگی چیزهای بشری بودند!

باید به‌طور باز و موقرانه‌ای با همدیگر به‌خوبی همکاری کنید. موضوع این نیست که ایده چه کسی بهترین است. حتی وقتی ایده کسی عالی نباشد و همه جنبه‌ها را مدنظر قرار نداده باشد، باید بی‌سروصدا آنچه را که کمبود دارد جبران کنید و کمک کنید که تمام جنبه‌ها پوشش داده شود! فقط در این صورت است که موجودات خدایی شما را تحسین می‌کنند و بدون اینکه کلمه‌ای بگویند تحسین آنها را جلب کرده‌اید! اینکه چه کسی ایده را مطرح کرده مهم نیست، بلکه مهم این است که چه کسی درطول این روند توانسته خود را به‌طور کامل رشد دهد؛ هر کسی خود را تزکیه کرده باشد، از طریق آن رشد کرده است. (تشویق) این را مطرح می‌کنم تا به شما بگویم که اکنون به مرحله پایانی رسیده‌ایم. می‌توانم به‌صراحت بگویم که در اوایل برنامه‌ریزی کرده بودم که این آزار و شکنجه امسال تمام شود (تشویق گرم) در بیست‌و‌سه سال. گرچه نیروهای کهن بعداً مداخله کردند و مسائل را کمی تغییر دادند، اما این کوره دیگر زغال‌سنگی برایش باقی نمانده و این آتش، دیگر کافی نیست. بنابراین این امر به‌زودی پایان می‌یابد. بنابراین هر کسی باید بهتر عمل کند. چند روز پیش که درباره آن صحبت می‌کردم گفتم چه کسی می‌تواند [از این امتیاز برخوردار شود که] مرید دافا شود. رابطه تقدیری خارق‌العاده‌ای می‌خواهد.

الان که در اتومبیل بودم کسی اشاره کرد که برخی افراد اصطلاحات فیزیکی را درک نمی‌کنند، مانند «ذرات» و «مولکول‌ها». بسیار خوب، من درحال استفاده از واژه‌هایی هستم که امروزه مردم دارند. چه کاری غیر از این می‌توانید انجام دهید؟ حتی اگر چیزها را [با واژه‌هایی به انتخاب خودم] توصیف می‌کردم، همین‌گونه می‌بود. اگر سیارات و ستارگان را از منظری می‌دیدیم که به کوچکی مولکول بودند، آیا درست مانند مولکول‌ها نمی‌بودند؟ وقتی موجودات عظیم در کیهان به زمین و سایر ذرات در فضا نگاه می‌کنند، آیا برای آنان آن‌طور نیست که ما به مولکول‌ها نگاه می‌کنیم؟ و آیا موجودات حتی بزرگتر، زمین را طوری نمی‌بینند که ما اتم را آن‌گونه می‌بینیم؟ از منظر موجودات خدایی بزرگتر این‌گونه است. ستارگان و سیارات همگی در تمام بُعدها پخش هستند، فقط این‌گونه است که دید شما نمی‌تواند برخی از آنها را درک کند. انسان هرگز نمی‌تواند تمامیت جهان را ببیند، هرچقدر هم فناوری او پیشرفته باشد، چراکه در این جهان انواع و اقسام مانع برای دید او وجود دارد. به همین دلیل است که گفته‌ام [فقط موجود خدایی بالاتری می‌تواند] جهان را با تمام جزئیاتش ببیند. زیرا انسان هرگز نمی‌تواند بدن کیهانی را آن‌طور که واقعاً هست ببیند.

به‌عبارت دیگر، بدون توجه به اینکه کدام سطح باشد، مفهوم آن این‌گونه است. وقتی موجودات بزرگتر به سطح زیرین خود می‌نگرند، آنچه می‌بینند ذرات کوچک هستند؛ وقتی موجودات کوچکتر به سطح بالایی خود می‌نگرند آنچه می‌بینند سیارات و ستارگان هستند. آیا موجوداتی که روی اتم‌ها زندگی می‌کنند اتم‌ها را مانند سیارات در نظر نمی‌گیرند؟ و وقتی موجوداتی که در سطح مولکول‌ها زندگی می‌کنند به زمین نگاه می‌کنند: «اوه، بسیار عظیم است.» بنابراین ارتباط بین ذرات در هر سطح و ذراتی که بزرگتر یا کوچکتر از آنها هستند این‌گونه است. در هر سطحی ذرات وجود دارند. زمین نیز یک ذره است، خورشید و راه شیری که می‌بینیم نیز یک ذره هستند و همین‌طور هر چیز دیگر. اصولاً ساختار بدن کیهانی این‌گونه است.

ذراتی که انسان‌ها با چشم خود می‌بینند به شکل‌های بیشتری متجلی می‌شوند، بیشتر از صرفاً ذرات و ستارگان که برای انسان‌ها مرئی هستند. انواع دیگری از ذرات وجود دارند که مردم نمی‌توانند ببینند. و درحالی که مولکول‌ها در این بُعد وجود دارند، همگی شبیه هم نیستند. موجودات بی‌شماری روی شکل‌های مختلف مولکول‌ها وجود دارند و همگی آنها در بُعدی وجود دارند که موجودات بشری قرار دارند. و همراه با مولکول‌ها، ذراتی نیز وجود دارند که به شکل‌های دیگری هستی دارند و همگی آنها همه جا را پر و اشباع کرده‌اند. موجودات بشری و سایر موجودات در این سطح، انگار در لایه‌ای از خاک قرار دارند و علم معاصر فقط از ذراتی آگاه است که می‌تواند درک کند. فقط درحال تشریح چیزها با دانش بشری در دسترس مان هستیم درحالی که جنبه‌های بیشتری نیز دارد، چیزهای بسیار بیشتری وجود دارد. به عبارت دیگر، تعداد این موجودات زنده بی‌شمار است. این همه موجود زنده وجود دارد و وقتی نفس می‌کشید، چه تعداد از مولکول‌هایی که هوا را تشکیل می‌دهند با دم خود وارد بدن می‌کنید؟ از آنجاکه آن مولکول‌ها نیز سیاراتی هستند، چه تعداد جهان و چه تعداد موجود روی آنها وجود دارد؟ شما آنها را با تنفس وارد بدن کرده‌اید و در بدن تان به موادی تبدیل شده‌اند که برای رشد و تغذیه بدن تان نیاز است. (استاد می‌خندند)

از آنجاکه همه اینها مسائل عمیقی را شامل می‌شوند و دانش انسان در گذشته محدود بود، موجودات خدایی هیچ‌یک از اینها را هرگز توضیح ندادند و نه می‌توانستند توضیح دهند. عیسی گفت: «همه انسان‌ها گناهکارند،» اما توضیح نداد که منظور از «گناه» چیست. به طور مشابه، به شما گفته‌ام که شخص درحالی که زندگی می‌کند به طور اجتناب‌ناپذیری کارما به وجود می‌آورد، با خوردن، سرپناه گزیدن، جابجا شدن، تعامل با دیگران در این دنیا و مانند آن. فرض کنید می‌خواستید از این نوع کارما اجتناب کنید، کارمایی که از تعامل با سایرین و درحال زندگی در دنیای واقعی حاصل می‌شود، و زندگی رهبانی در پیش می‌گرفتید و تصمیم می‌گرفتید فقط روبروی دیوار بنشینید و مدیتیشن کنید. اما حتی صرفاً با نشستن و بی‌حرکت بودن نیز کارما به وجود می‌آوردید. (استاد می‌خندند) چراکه صرفاً زنده بودن تان بسیاری از دنیاها را تغییر می‌دهد. اما هرچه باشد، اصلی را تشریح کرده‌ام، اینکه انسان قرار است محیط زندگی معقولی داشته باشد و به خاطر کارمای ایجادشده حاصل از زنده بودن تان، مقصر شناخته نمی‌شوید. چنین کارمایی علیه شما محسوب نمی‌شود. گرچه این مشکل دیگری را شامل می‌شود، اینکه مطمئناً در نتیجه آن کارها هنوز هم کارما ایجاد می‌شود. و منظور از آنچه در عهد جدید آمده که: «همه انسان‌ها گناهکارند،» این است. به همین دلیل است که برخی گفته‌اند سختی‌ها در زندگی اجتناب‌ناپذیرند و اگر کسی در عمرش بیمار نشود مطمئناً پس از مرگ به جهنم می‌رود. چرا؟ او هیچ کارمای زندگی‌اش را نمی‌پرداخت و آن کارمای زیاد انباشته می‌شد. به هر حال کارما یعنی گناه و او مجبور می‌بود به جهنم رود تا تاوان آن را بپردازد. منظور این است.

به همین دلیل، به عنوان تزکیه‌کننده اگر کمی چیزهای ناخوشایند و سختی را تجربه کنیم آنها را به عنوان چیز بدی در نظر نمی‌گیریم. گاهی اوقات وقتی کارما درحال از بین رفتن است ممکن است فکر کنید: «اوه نه، من بیمارم. سرما خورده‌ام،» «حالم خوب نیست،» یا «زجرآور است.» اما درواقع این برای از بین بردن کارما است. تمرین کنندگان جدیدتر ممکن است آن را درک نکنند و فکر کنند: «اوه، وقتی ناخوش هستم نباید واژه «بیماری» را به کار ببرم. باید بگویم که درحال «از بین بردن کارما» هستم.» اما منظور این نیست. شما واقعاً درحال از بین بردن کارما هستید. مسیر تزکیه شما به خوبی طرح‌ریزی شده است و بدن تان اجازه ندارد که بیمار شود. واقعاً اجازه ندارد بیمار شود. زیرا هیچ مرضی اجازه ندارد به شما صدمه بزند، انرژی مثبتی که دارید هر چیز بیماری‌زایی را نابود می‌کند. اما مردم کارما به وجود می‌آورند و آن کارما به شکلی در بدن تان متجلی می‌شود که شبیه بیماری است. اگر کارما در بینی تان متجلی شود، گرفتگی بینی یا آبریزش بینی خواهید داشت که ممکن است باعث شود فکر کنید: «اوه، سرما خورده‌ام.» فکر می‌کنید که سرماخوردگی دارید (استاد می‌خندند)، اما آن سرماخوردگی نیست. اگر کارما در معده تان متجلی شود، معده درد خواهید داشت و فکر می‌کنید: «اوه نه، باید از چیزی باشد که خوردم.» (استاد می‌خندند) اما این طور نیست. این به خاطر کارمایی است که آنجا فرستاده شد. چرا از این همه جا، آنجا فرستاده شد؟ درواقع حتماً نباید آنجا فرستاده می‌شد؛ می‌توانست به محل دیگری فرستاده شود. از آنجاکه خود شما وابستگی‌هایی دارید، کارما آنجا فرستاده می‌شود و هدف این است که به شما کمک کنند تزکیه کنید.

برای مثال، بگذارید بگوییم قبل از اینکه تزکیه را شروع کنید بیماری وخیمی داشتید و آن مشکل، با تزکیه برطرف شد. اوه، خیلی خوشحال هستید. اما گاه‌گاهی این فکر ممکن است ظاهر شود: «در گذشته بیماری وخیمی داشتیم، اما احتمالاً در آینده دوباره برنمی‌گردد.» اما آنچه در آن فکر نهفته است این است که آن احتمالاً برنمی‌گردد. در واقع شما نگران هستید، گرچه در ظاهر فکر می‌کنید که حال‌تان خوب است و مشکلی ندارید. نیروهای کهن وقتی این را می‌بینند می‌گویند: «این دیگر چیست؟» (استاد می‌خندند) آیا این‌گونه به آن واکنش نشان نمی‌دهند؟ در گذشته وقتی پیروان عیسی و شاکيامونی را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند، بر همین مبنا بود و ادعا می‌کردند که: «به آنان کمک می‌کنیم در تزکیه پیشرفت کنند.» وقتی می‌بینند که هنوز تا حدودی نگران بیماری هستید، منتظر می‌مانند تا کارمای‌تان تا حد معینی بیشتر شود، سپس آن را جمع می‌کنند و به آن نقطه از بدن‌تان پرتاب می‌کنند. تا مرحله‌ای که شاید بگویید: «اوه نه، انگار دوباره برگشته است!» (خنده)

به‌عنوان تزکیه‌کننده، ذهن‌تان این‌گونه آزمایش می‌شود. و وقتی آن روی می‌دهد برای‌تان آزمایش واقعی خواهد بود و آشکار خواهد کرد که آیا مانند تمرین‌کننده به آن می‌نگرید یا مانند فردی عادی. اگر به شیوه بشری به آن بنگرید، نیروهای کهن فکر می‌کنند که بهتر است به بیمارستان یا نزد پزشک بروید. در مواردی که افراد کوشا نبوده‌اند یا تمرین‌کننده جدید هستند، باید موارد دیگری را مدنظر قرار دهیم. زیرا وقتی سطح تفکر فرد کافی نیست، یعنی قلمرو او هنوز با آن فاصله دارد، اگر اصرار بورزید و به آن فرد بگویید: «این بیماری نیست»، او واقعاً دوباره آن مطمئن نخواهد بود. قلمرو ذهن‌اش هنوز به آن سطح نرسیده و واقعاً باور دارد که: «این بیماری است!» در آن حالت واقعاً باید آن را درمان کند، زیرا وقتی نیروهای کهن افراد را آزمایش می‌کنند آنها با افراد شوخی ندارند و خیلی جدی هستند. تفکرشان این است: «خواست من این نیست که موجودی خدایی شوی. وقتی تفکر بشری تو را ببینم، به‌طور حتم تو را پایین می‌کشم. حالا که گفته‌ای آن بیماری است، واقعاً قصد دارم کاری کنم که آن قسمت از بدن تو شبیه بیماری به‌نظر برسد. حتی کاری می‌کنم نتایج تصویربرداری با اشعه ایکس یا آزمایش‌ها مانند بیماری باشد.»

بسیاری از افرادمان به‌همین دلیل درگذشته‌اند. اما آیا این غیرمنصفانه نیست؟ به‌رحال نمی‌توان کاری کرد، چراکه کوشا نبودند. برخی از آنان کوشا بودند، اما فقط همین یک مشکل را داشتند و نتوانستند نگرانی‌شان را رها کنند. بنابراین بسیار پیچیده است. ممکن است در تمام زمینه‌های دیگر استوار بوده باشند و فقط در این یک موضوع مطابق استاندارد نبوده باشند. همان‌طور که می‌دانید در تزکیه فرد قرار است «رها از کوتاهی‌ها باشد». اگر کوتاهی داشته باشید، آیا اجازه می‌دهند به آسمان بروید؟ این چیزی است که روی می‌دهد. گرچه نیروهای کهن، زاده دوره انهدام هستند و استانداردهای‌شان پایین‌تر است، به‌رحال الزامات سطوح مختلف هنوز هم پابرجاست و باید رها از وابستگی‌ها باشید، یا برطبق استانداردهای آنان رها از وابستگی‌ها باشید. آنها اصرار خواهند کرد: «باید به استانداردهای ما برسید.»

بسیاری از تمرین‌کنندگان در پروژه‌هایی که مریدان دفا اداره می‌کنند همیشه به‌خوبی عمل کرده‌اند و تلاش‌هایشان را دوبرابر کرده‌اند. اما افراد بسیاری نیز وجود دارند که چون آن اندازه فشار وجود ندارد کارها را با تمام قلب‌شان انجام نداده‌اند. اما باید بدانید که درحال نجات موجودات هستید و هر کاری که انجام می‌دهید برای این کار است. پس نباید سست شوید. این همه موجود در انتظار شما هستند تا آنها را نجات دهید. برخی از شاگردان در برخی از پروژه‌های دافا را واقعاً تحسین می‌کنم، از قبیل شاگردانی که برای مینگهویی کار می‌کنند. آنها نمی‌توانند مانند سایر تمرین‌کنندگان در فعالیت‌ها شرکت کنند و نمی‌توانند در سایر فعالیت‌های مریدان دافا شرکت کنند. حتی اگر در برخی از فعالیت‌ها نیز شرکت کنند، نمی‌توانند بگویند که مشغول انجام چه کاری هستند، چراکه به‌رحال در برهه خاصی هستیم. دیگران می‌توانند بگویند به‌عنوان گزارشگر اپک‌تایمز یا ویراستار آن‌تی‌دی و مانند آن مشغول هستند و حسی از افتخار همراه این مسئولیت‌هایی وجود دارد که مریدان دافا به‌عهده گرفته‌اند. اما افرادی که درباره‌شان صحبت می‌کنم نمی‌توانند چنین چیزهایی را بگویند و حتی دستاوردهای عظیمی را که داشته‌اند باید نزد خود نگه دارند. اگر این فقط یک یا دو روز یا حتی یک یا دو سال بود، شاید چیز مهمی نبود. اما اکنون بیست سال شده است. (تشویق) درواقع بسیاری از تمرین‌کنندگان بوده‌اند که بی‌سروصدا روی پروژه‌های مریدان دافا یا پروژه‌های دیگر کار کرده‌اند و

همه آنها واقعاً خارق‌العاده هستند. موجودات خدایی واقعاً برای شما احترام زیادی قائل هستند. و من نیز برای چنین افرادی احترام زیادی قائل هستم. (تشویق)

در ادامه چند کلمه درباره شن یون صحبت می‌کنم. همان‌طور که دیده‌اید، اگر شن یون بخواهد در نجات مردم بسیار مؤثر باشد باید از هر نظر در این زمینه پیشرو باشد و از نظر تکنیک، سطح مهارت و استعداد هنری فراتر از سایرین برود. باید به چیزی دست یابیم که دیگران دست نیافته‌اند یا نتوانستند به آن برسند. فقط وقتی از هر نظر بهتر از دیگران باشیم می‌توانیم تأثیر بزرگتری داشته باشیم و حضار زیادی جذب کنیم. اگر فقط برای رفع تکلیف کارها را انجام می‌دادیم نمی‌توانستیم دستاوردهای زیادی داشته باشیم.

همان‌طور که می‌دانید و قبلاً گفته‌ام، اوایل که شن یون تازه شروع به کار کرد، تمرین‌کنندگانی که آن موقع مشارکت داشتند با همدیگر به خوبی کار نمی‌کردند. مشاهده می‌کردم که حضار چگونه واکنش نشان می‌دادند و انواع و اقسام اظهارنظرها را می‌شنیدم. کیفیت قطعات خیلی خوب نبود و برخی بینندگان چنین چیزهایی می‌گفتند: «خدای من، این خیلی خوب نیست.» از شنیدن آنها حس خوبی نداشتم. میدان دافا قلب‌شان را روی آن می‌گذاشتند. اما چه کاری می‌شد انجام داد؟ گرچه با همدیگر به خوبی کار نمی‌کردند، اما به‌رحال سخت کار می‌کردند. تلاش بسیاری را صرف می‌کردند. از این‌رو بعداً تصمیم گرفتم خودم درگیر شوم و این تلاش را هدایت کنم، آنها را راهنمایی کنم و کمک‌شان کنم تا رشد کنند و ببینند چگونه پیش می‌رود. اما حالا که هدایت آن را به‌عهده گرفته‌ام، نمی‌توانم آن را رها کنم و به کسی تحویل دهم چراکه هیچ‌کسی نمی‌تواند کار مرا انجام دهد.

شن یون از هر لحاظ خاص است. از جهات بسیاری، شرکت‌های اجرای هنری نمی‌توانند با آن مقایسه شوند. از نظر تکنیک، استاندارد کیفیت و شیوه عملکردمان فراتر از آنها رفته‌ایم. و همراه با این، از آنجاکه هنرمندان مان تزکیه‌کننده هستند، آنچه انجام می‌دهند اغلب مؤثرتر است. چرا به این شکل عمل می‌کنیم؟ زیرا برای نجات مردم مورد نیاز است. و البته باید مطمئن باشیم که آن هدف واقعاً حاصل می‌شود. با هر اجرا، از هزار یا دوهزار نفری که حضور دارند، بیش از نود درصدشان پس از اجرا تفکرشان به کلی تغییر می‌کند و مسائل زیادی را درک می‌کنند. (تشویق) آنها متوجه می‌شوند که میدان دافا چه افرادی هستند، چیزی که به آن باور دارند خوب است و اینکه چرا ح.ک.ج، میدان دافا را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد. فقط با یک اجرا و بدون گفتن چیزی، حقایقی که به‌نمایش درمی‌آید تمام دروغ‌های رژیم را می‌زداید. (تشویق) در اجراها، به‌جز چند جمله‌ای که مجری می‌گوید، کلمه‌ای به زبان نمی‌آید و مردم همه چیز را درک می‌کنند. برای سایر شیوه‌های روشنگری حقیقت بسیار سخت می‌بود که مسائل را به این واضحی و کاملی تشریح کنند و به چنین تأثیر بزرگی دست یابند، حتی اگر تلاش بسیاری نیز صرف می‌شد.

شن یون با یک گام به همه اینها دست می‌یابد. برخی افراد پس از دیدن نمایش خواهان یادگیری فالون گونگ هستند؛ برخی درک خود را درباره آنچه انجام می‌دهیم بیان می‌کنند و برخی حتی گفتند که موجودات آسمانی یا موجودات خدایی واقعی را روی صحنه دیدند. بنابراین تأثیر آن بسیار زیاد بوده است. با شش شرکت و تعداد حضار هر نمایش که به‌طور متوسط هزاروپانصد نفر می‌شود، در تور امسال، یک میلیون نفر آن را تماشا کردند. (تشویق گرم) یک میلیون، یک میلیون نفر بیننده. می‌توانید تأثیر آن را در نجات مردم ببینید. تأثیر شن یون به رشد خود ادامه می‌دهد، یا اگر با اصطلاحات عادی بیان کنیم، بازار آن به رشد خود ادامه می‌دهد و تقاضا بیشتر از آن است که بتوانیم پاسخ دهیم. بنابراین برای پاسخ به این تقاضا، امسال درحال ایجاد شرکت دیگری هستیم. (استاد لبخند می‌زند، تشویق پر شور) بدون توجه به اینکه ح.ک.ج چگونه سعی می‌کند مداخله کند، بی‌فایده است. از آنجاکه ماشین فرسوده آزار و شکنجه هنوز درحال کار است، نمی‌توانند بیکار بنشینند و برای ما مشکل ایجاد می‌کنند. اما در این مرحله نمی‌توانند به تأثیر مهمی دست یابند چراکه مردم دنیا به درک خوبی از شن یون رسیده‌اند.

شن یون در مدل کسب‌وکار خود به تبلیغات رسانه‌ها متکی نبوده است. معروفیت ما به‌طور کلی در نتیجه این بوده که مردم به‌طور شفاهی درباره آن به همدیگر می‌گویند. همان‌طور که می‌دانید در گذشته وقتی [در چین] درحال آموزش فا به عموم مردم بودم هیچ رسانه‌ای در اشاعه فا کمک نمی‌کرد. به‌صورت شفاهی و فرد به فرد گسترش یافت. کلمات به‌سرعت پخش می‌شد. امروزه برای شن یون نیز همین‌گونه است. اینکه مردم شن یون را در سراسر جهان به‌رسمیت می‌شناسند مرهون قدرت شن یون

است، به همین دلیل است که مردم ارزش زیادی برای آن قائل هستند. مردم درباره آن در اجتماع و در خانواده با اعضای خانواده‌شان صحبت می‌کنند و تأثیر این نوع اشاعه، واقعی است. وقتی به دوستان خود می‌گویید که چیزی خوب است، می‌دانند منظورشان چیست. و وقتی به خانواده‌تان می‌گویید نیز همین‌گونه است. بدین شکل مردم به آنچه گفته می‌شود اعتماد دارند. تبلیغات نمی‌تواند به چنین تأثیری دست یابد. بنابراین تعداد افرادی که می‌خواهند شن‌یون را ببینند به‌طور پیوسته در حال افزایش است. در موارد معدودی که اجراها به‌ناچار لغو شدند، برخی از افرادی که بلیت خریده بودند و مجبور شدند مبلغ بلیت را پس بگیرند واقعاً گریه می‌کردند. چرا این‌گونه بود؟ زیرا بسیاری از افراد می‌دانند این نمایش چقدر خوب است و مردم در گفتگوهای خصوصی خود از خوبی شن‌یون تعریف می‌کردند. و از چیزی که برخی افراد می‌گویند می‌توانیم بگوییم که مردم واقعاً می‌دانند شن‌یون در حال انجام چه کاری است. و متوجه شده‌ام که در طول چند سال گذشته مردم درک بهتری پیدا کرده‌اند که شن‌یون در حال انجام چه کاری است. این دقیقاً همان کاری است که می‌خواهیم انجام دهیم.

بسیاری از افراد در تاریخ که فای راستین را اشاعه دادند در اثر آزار و شکنجه درگذشتند. وقتی افکار و عقاید و علایق شخصی مردم تحت تأثیر قرار می‌گیرد یا وقتی احساس می‌کنند چیزی آنها را تهدید می‌کند، به‌شیوه‌ای بشری واکنش نشان می‌دهند. شن‌یون فقط یک نمایش به‌نظر می‌رسد و به انتخاب هر فرد بستگی دارد که بخواهد آن را ببیند یا خیر. رایگان هم نیست و مردم باید برای دیدن آن مبلغی بپردازند و مبلغ آن کم هم نیست. مردم به اراده خودشان می‌آیند و افرادی که نمی‌خواهند ببینند آزادند که بلیت نخرند. پس نباید چیز خاصی درباره آن باشد، چراکه فقط نمایشی را به اجرا می‌گذاریم. اما این چیزی است که موجودات در انتظار آن بوده‌اند. هیچ‌کسی تصور نمی‌کرد که این رویکرد برای نجات موجودات ذی‌شعور استفاده شود. اما این بدین علت است که اجتماع به این مرحله رسیده و درس‌های زیادی از تاریخ بوده است. در هر حالت، برای مریدان دافا، به راه‌هایی برای نجات مردم می‌اندیشیم. این‌گونه است.

همان‌طور که می‌گفتم، ح.ک.چ همه ترفندهای خود را به‌کار برده تا برای ما مشکل ایجاد کند. آنها حتی خود را به‌عنوان تمرین‌کننده جا زدند و چیزهای نامربوط گفتند. یکبار مدیر تئاتری نامه‌ای را به ما نشان داد که ح.ک.چ نوشته بود. برایش جالب بود و گفت که از هر نقشه‌ای استفاده کرده‌اند و همه این را می‌دانند. برای ح.ک.چ سخت‌تر شده که به مردم رشوه دهد، چراکه پول‌شان الان کمتر شده است. به‌هرحال دیگر نمی‌توانند مانع ما شوند، حتی با پول هم نمی‌توانند. زیرا مردم می‌دانند، می‌دانند که شن‌یون خوب است و می‌خواهند آن را ببینند. گاهی اوقات به شوخی می‌گوییم که اگر جایی فروش بلیت‌ها خوب پیش نمی‌رود، چرا تماسی با سفارت یا کنسولگری چین نمی‌گیرید؟ (خنده) و به آنها بگویید که شن‌یون اجرا دارد و شاید باید اقدامی انجام دهند. (خنده) منظور این است که به‌محض اینکه ح.ک.چ شایعاتی را پخش کند و سعی کند امور را مختل کند یا مقالاتی را درباره ما منتشر کند، او! همه با خبر می‌شوند که شن‌یون در حال اجرا است و به‌سرعت می‌آیند تا آن را تماشا کنند. (تشویق) هنوز کمی فرصت باقی مانده پس به برخی از پرسش‌های شما پاسخ می‌دهم. (تشویق) می‌توانید برگه پرسش‌ها را بفرستید.

پرسش: اکنون بیست سال است که دافا اشاعه یافته است. در برنامه آغازین نمایش شن‌یون امسال، استاد گفتند: «همراه من به زمین فرود آید، فای دنیای بشری را اصلاح می‌کند.» آیا این بدین معنی است که اصلاح دنیای بشری توسط فای، وارد مرحله جدیدی شده است؟

استاد: البته نمایش صرفاً یک نمایش است. اما با نگاه به وضعیت جاری، همگی درک می‌کنید که اصلاح دنیای بشری توسط فای، تقریباً شروع شده است. (تشویق) درخصوص شن‌یون، همان‌طور که به اجرای خود ادامه می‌دهد، مردم خواهند دانست که این شرکت واقعاً در حال انجام چه کاری است. درحالی که در نیویورک راهپیمایی داشتید، کسی که بیرون ایستاده بود می‌پرسید: «این افراد چه کاری انجام می‌دهند؟» آیا می‌دانید کسی که در میان جمعیت و در حال تماشا بود چه گفت؟ او صرفاً رهگذر عادی بود و گفت: «آنها در حال نجات همه مردم دنیا هستند.» (تشویق)

پرسش: اکنون وضعیت راحت‌تر از گذشته است. برخی از شاگردان به اندازه قبل توجه زیادی به ترکیه و روشنگری حقیقت ندارند و انرژی زیادی صرف شغل عادی‌شان یا زندگی روزانه خود می‌کنند. چه کاری می‌توانیم انجام دهیم تا به یکدیگر کمک کنیم ضرورت کارها را درک کنیم و همه در وضعیت کوشایی بمانیم؟

استاد: سه کار میدان دافا به‌وضوح بیان شده است. آیا درحال انجام همه آنها بوده‌اید؟ اگر خیر، بروید و آنها را انجام دهید. فکر نکنید مکان‌های روشنگری حقیقت فقط مختص افراد مسن است. به‌علاوه، تا وقتی که بخواهید، درواقع کارهای بسیاری برای شما هست که انجام دهید. کارهایی وجود دارند که می‌توانید در موقعیت و محیط خود انجام دهید؛ به‌عنوان مثال، حتی اگر صرفاً چند مقاله خوب [برای روشنگری حقیقت] بنویسید و آنها را روی اینترنت قرار دهید، می‌توانید نقشی ایفا کنید. به‌عنوان میدان دافا باید کارهای مقررشده را انجام دهید.

پرسش: امسال بیستمین سالگرد تأسیس وب‌سایت مینگهویی است. میدان دافایی که در مینگهویی کار می‌کنند بیست سال است که استاد را در اصلاح فامراهی کرده‌اند و به‌طور فزاینده‌ای احساس افتخار می‌کنیم. در این روند، دافا ما را آبدیده و پالایش کرد و ما را شکل داد و از میان سختی‌ها و آزمون‌ها با موفقیت گذر کرده‌ایم. هر مریدی که قلب خود را روی این کار گذاشته احساس می‌کند در مقایسه با فداکاری‌هایی که انجام داده، این کار پاداش بسیار بیشتری برایش به ارمغان آورده است. درطول چند سال گذشته، تعداد کارت‌های تبریکی که وب‌سایت مینگهویی هر سال در روز جهانی فالون دافا دریافت می‌کند از ده‌هزار عدد به بیش از بیست‌هزار عدد افزایش یافته است. در ایام سال نو و دیگر مناسبت‌ها، معمولاً مشغول مرتب کردن و انتشار کارت‌هایی هستیم که سایر افراد ارسال کرده‌اند و به‌ندرت این فرصت را پیدا می‌کنیم تا تبریک خودمان را برای استاد ارسال کنیم. در این مناسبت بیستمین سالگرد، مایلیم به‌خاطر نیکخواهی و نجات استاد مراتب سپاس و قدردانی خود را به ایشان ابراز کنیم و از اینکه چنین مأموریت مقدسی به ما عطا کرده‌اند و به ما کمک کرده‌اند رشد کنیم از ایشان سپاسگزاری کنیم. (استاد لبخند می‌زنند، حضار تشویق می‌کنند)

بیست سال گذشته است و برخی اعضای ما به هشتادسالگی نزدیک می‌شوند، (استاد: درست است، سن شما به تدریج زیاد می‌شود) و آنهایی که جوان بودند حالا میانسال شده‌اند. مایلیم از استاد بپرسیم که چه زمانی نسل جوان‌تر میدان دافا قرار است بیایند و مسئولیت کارهای مینگهویی را مانند ما به‌عهده بگیرند؟

استاد: به‌نظر می‌رسد افراد جوان گرایش دارند اهداف بلندپروازانه‌ای در زندگی داشته باشند و به‌سختی می‌توانند ذهن خود را پایدار کنند. شما مرید دافا هستید، بنابراین در هر کاری که انجام می‌دهید، باید پایدار باشید و آن را همراه با حسی از مسئولیت انجام دهید، چراکه تزکیه‌کننده هستید. در گذشته فرد می‌توانست صرفاً درحالی که روبروی دیواری می‌نشست و نه سال مدیتیشن می‌کرد در تزکیه موفق و موجودی خدایی شود. فرد از تمام فعالیت‌ها اجتناب می‌کرد و صرفاً با نشستن روبروی دیوار، به‌طور موفقیت‌آمیزی تزکیه می‌کرد. گرچه برخی از کارهایی که برای نجات مردم انجام می‌دهیم ممکن است باعث شود فرد کمی احساس تنهایی داشته باشد، حداقل با کارهایی که به آنها می‌پردازید مشغول هستید. (تشویق)

پرسش: شاگردانی هستند که چند سال دافا را تزکیه کردند و سپس سراغ بودیسم رفتند. آیا در آینده، این افراد هنوز فرصتی خواهند داشت؟

استاد: فرصت خواهند داشت. تا وقتی کسی به سمت شیطان نرفته باشد، هنوز فرصت‌هایی دارد. (تشویق) آنچه گفته‌ام این است که اگر مرید دافا باشید، فرصت‌های زیادی برای شما باقی نمانده است. وقت و زمان باقیمانده برای میدان دافا خیلی کوتاه است، زیرا وقتی این امر تمام شود، دیگر فرصت بیشتری نخواهد بود.

پرسش: چند نفر از افراد که ادعا می‌کنند شاگرد دافا هستند با استفاده از شیوه‌های قانونی مردم عادی، از انجمن دافا، مینگهویی و برخی از پروژه‌های مریدان دافا شکایت حقوقی کرده‌اند.

استاد: بگذارید به شما بگویم، آنهایی که چنین کارهایی را انجام می‌دهید، بدون توجه به اینکه عذر و بهانه‌تان چیست، درحال درگیر شدن در کارهایی هستید که شیطان انجام می‌دهد! مریدان دافا همگی در بین سختی‌ها قرار دارند و هر کسی درحال نجات مردم و مبارزه علیه این آزار و شکنجه است، اما شما از درون مریدان دافا مزاحمت و اختلال ایجاد می‌کنید. آیا خود شما نمی‌دانید که این گناه چقدر جدی است؟ ادعا می‌کنید که تزکیه‌کننده هستید، اما با استفاده از قوانین مردم عادی، درحال حمله به امور تزکیه هستید. قوانین مردم عادی برای مردم عادی هستند تا امور مردم عادی را اداره کنند. به‌جای غلبه بر وابستگی‌هایی که دارید و به‌جای خوب عمل کردن در تزکیه‌تان، درحال استفاده از قانون هستید تا برای رها نکردن آن وابستگی‌ها عذر و بهانه بیابید، شما درحال انجام کارهایی هستید که شیطان انجام می‌دهد. بدون توجه به اینکه چه کسی باشد، هر کسی که خواهان شکایت حقوقی از پروژه‌های مریدان دافا، انجمن دافا یا هر شخص یا هر کار مرتبط با نجات مردم یا تزکیه باشد، باید بلافاصله این کار را متوقف کند! فرصت‌ها درحال تمام شدن است و زمان نیز درحال تمام شدن است. علاوه بر این، باید ضررهایی را که موجب آن بوده‌اید جبران کنید!! (تشویق)

برخی افراد حتی درباره این عبارت قدیمی چینی صحبت می‌کنند: «خلاص شدن از شر آن وزیران بدی که اطراف امپراتور هستند.» آیا من فردی عادی هستم؟ من استادان هستم. آیا فکر می‌کنید من مسائل خاصی را درک نمی‌کنم؟ آیا ناتوان از اداره کردن مسائل خاصی هستم؟ آیا به شما نیاز دارم که مرا «از شر چیزی خلاص کنید»؟ آیا شما ارزش چنین کاری را دارید؟ چگونه چنین چیزهایی می‌گویید؟ من درحال نجات شما هستم! آیا فکر می‌کنید شما درحال نجات من هستید؟! وقتی فردی در مسیری اهریمنی قرار بگیرد، جرئت می‌کند هر چیزی بگوید.

استاد درحال ارائه فرصتی است، پس عجله کنید و بلافاصله تأثیر بدی را که باعث آن شدید جبران کنید. اما زمان زیادی وجود ندارد، پس عجله کنید! نیروهای کهن شما را در چنگ خود گرفته‌اند و شما را غیرمنطقی کرده و کاری می‌کنند تا چنین کارهایی را انجام دهید.

پرسش: اجتماع بشری درحال توسعه «کلان داده» است. در چین دوربین‌های نظارتی بیشتر و بیشتری نصب می‌شوند. علاوه بر آن، سیستم‌های تشخیص چهره، تشخیص حرکات و مانند آن وجود دارد و از تحلیل داده‌ها به‌طور وسیعی استفاده می‌شود. آیا این مسئله باعث ایجاد خطرهای بیشتری برای مریدان دافایی می‌شود که فلایرها را توزیع و حقیقت را روشن می‌کنند، یا نباید بیش‌ازحد نگران آن باشند؟

استاد: مریدان دافا، مسیر خود را دارند. اگر به‌طور درستی ادامه دهید، کمتر مورد مزاحمت قرار می‌گیرید. در تمام مدت گفته‌ام که وقتی مسیرتان را به‌طور درستی می‌پیمایید، مشکلی نخواهید داشت. اگر کارها را با وابستگی‌های بشری انجام دهید، گرچه مشغول انجام کارهایی برای دافا هستید، سخت خواهد بود که از مواجه شدن با مشکلات اجتناب کنید. اما واقعاً سخت است که مطابق با چنین استانداردهایی بود. بدون پایه‌ریزی چنان بنیانی، واقعاً انجام آن سخت خواهد بود، از این‌رو با مشکلاتی مواجه می‌شوید.

اما از سوی دیگر، فکر می‌کنم همگی می‌دانید که مردم دنیا محصولات ساخت چین را بی‌کیفیت‌ترین محصولات می‌دانند، مگر نه؟ درخصوص آن دوربین‌های نظارتی، شنیده‌ام که از هر هزار دوربینی که نصب می‌شود، پانصد دوربین معیوب است (حضرار می‌خندند و تشویق می‌کنند)، لحظه‌ای که یکی را تعمیر می‌کنند، دیگری خراب می‌شود. بنابراین، بی‌کیفیتی محصولاتی که تولید می‌کنند و علاوه بر آن، بی‌مبالاتی مردم هنگامی که کار می‌کنند... به‌هرحال، هر کاری که ح.ک.چ اهریمنی انجام می‌دهد به رسوایی ختم می‌شود. آیا سعی نمی‌کنند که دنیا فناوری ۵جی آنها را استفاده کند؟ طولی نمی‌کشد که همه متوجه می‌شوند کیفیت محصولات‌شان پایین است، پس آیا می‌توانند ادامه دهند؟ مردم به‌سرعت آنها را دور می‌ریزند. (تشویق)

پرسش: وقتی به هم‌تمرین‌کنندگانی کمک می‌کنیم که دچار کارمای بیماری وخیم هستند، برای مثال از طریق تبادل تجربه و پاک کردن میدان بُعدی‌شان، پس از آن، خود ما سختی‌هایی را تجربه می‌کنیم، مانند رنج جسمی و ذهنی، یا در دام‌هایی گرفتار می‌شویم که در بعدها دیگر قرار داده شدند. آیا این نوعی فداکاری معمول در نظر گرفته می‌شود یا به خاطر فقدان توانایی ما است؟

استاد: این مسئولیت ما است که به مریدان دافا کمک کنیم بر سختی‌های خود غلبه کنند، کاری است که باید انجام شود و اشتباه نیست. اما اگر خود شخص دریافت‌کننده کمک تغییر نکند و به‌طور کامل به کمک سایرین متکی باشد، مطلقاً اثر نخواهد کرد. اگر با کمک‌تان، افکار درست و مثبت شخص، قوی‌تر و قوی‌تر شود، آنگاه حمایت بیرونی از جانب شما کمک می‌کند نتایج بهتر و بهتری حاصل شود. این‌گونه با هم مرتبط هستند.

پرسش: اکنون بیست سال شده است، گروهی از افراد در بین شاگردان خارج از چین اصرار دارند که مینگهویی برای مردم عادی مناسب نیست و از این‌رو از ترویج مینگهویی اجتناب می‌کنند. در تمام این مدت، وب‌سایت مینگهویی، در بین شاگردان خارج از چین، با مقاومت قابل توجهی مواجه شده است و در مقایسه با رویکرد شاگردان در چین، از اهمیت و توجه کمتری برخوردار بوده است. در تمام این مدت به این فکر می‌کرده‌ایم که چگونه چنین مسائلی را حل و فصل کنیم.

استاد: واقعاً درست است که بخشی از محتوای مینگهویی برای تزکیه‌کنندگان و تبادل تجربیات آنها است و آنهایی که سطح‌شان تا آن حد نرسیده نمی‌توانند آن را درک کنند. اما برخی از مقالات برای مردم عادی مناسب هستند و می‌توانند بخوانند. اما همیشه افرادی هستند که مسائل را پیچیده‌تر می‌کنند. گرچه مینگهویی وب‌سایتی برای تزکیه‌کنندگان است و درباره این صحبت می‌کند که تزکیه‌کنندگان چگونه شین‌شینگ خود را رشد می‌دهند، اما برخی از افراد عادی می‌توانند آن را درک کنند.

مردم در این اجتماع در سطوح مختلف قرار دارند. حتی در بین مردم عادی که می‌بینید در خیابان راه می‌روند تفاوت‌هایی وجود دارد. برخی افراد اخلاقیات والاتری دارند و نگرش آنها به مسائل متفاوت است. برخی افراد اخلاقیات با‌زهم والاتری دارند و نگرش آنها به مسائل حتی متفاوت‌تر است. برخی افراد توانایی‌های خاصی دارند و در برخی موارد، حتی توانایی‌های خارق‌العاده دارند. تعداد زیادی از چنین افرادی وجود دارند و حتی از طبقات مختلف جامعه هستند. برای افرادی با این توانایی‌ها، آنهایی که توانایی خاص مشابهی دارند با هم در تماس هستند و آنهایی که توانایی‌های بزرگتری دارند نیز در جرگه خاص خود قرار دارند و آنها نیز می‌توانند با یکدیگر در تماس باشند. اجتماع بشری به این سادگی نیست که تصور می‌شود. با افکار و عقایدی انعطاف‌ناپذیر به اجتماع بشری نگاه نکنید.

پرسش: وضعیت تزکیه‌ام بالا و پایین‌هایی داشته است. گاهی اوقات به چیزهایی مانند گشت‌وگذار در اینترنت، بازی‌های کامپیوتری و بازی با تلفن همراه وابسته می‌شوم که باعث موانعی در تزکیه می‌شوند. باید چه کار کنم تا خودم را از این کارها بازدارم و کوشا بمانم؟

استاد: مردم می‌گویند معتاد شدن... بگذارید به شما بگویم اعتیاد چیست. در علوم پزشکی می‌گویند وقتی آن قسمت از سیستم اعصاب که مرتبط با رفتارهای اعتیادآور است تا حد معینی تحریک و تقویت شود، فرد اعتیاد پیدا می‌کند. اما این‌گونه نیست. پس چه چیزی روی می‌دهد؟ با گذشت زمان، آن ماده اعتیادآور جمع می‌شود و درون بدن‌تان یک «شما» تشکیل می‌شود که دقیقاً ظاهر شما را به خود می‌گیرد و شما را کنترل می‌کند. از آنجاکه از وابستگی قدرتمندی تشکیل شده است و هم‌شکل شما است، میل قوی معادلی برای کنترل کردن شما دارد. بدین علت که وابستگی بسیاری قدرتمندی آن را شکل داده است.

برای مواد مخدر نیز این‌گونه است. برخی افراد می‌گویند مصرف تفریحی مواد مخدر مسئله مهمی نیست و به‌نظرشان بی‌ضرر است. مطمئناً وقتی آن را امتحان کنند حس بسیار خوبی دارند. اگر دوباره انجام دهند چه؟ مشکل آشکاری نیست. اگر یکبار دیگر مصرف کنند چه؟ حالا دیگر نمی‌توانند آن را کنترل کنند. چرا این‌گونه است؟ پس از اینکه آن ماده را مصرف کردید، داخل

بدن تان لایه نازک و ضعیفی از شما را شکل می‌دهد. با یک دم و مکش، کار تمام است زیرا بسیار اعتیادآور است. وقتی بار دوم آن را با دم خود وارد بدن می‌کنید، این لایه نازک و ضعیف «شما» بیشتر موجودیت پیدا می‌کند. دم و مکش بیشتر، به آن عینیت بیشتری می‌دهد. دم و مکش بیشتر و بیشتر به آن عینیت بیشتر و بیشتری می‌بخشد و به این شکل قوی‌تر می‌شود. آن ساختار کاملی از بدن و ذهن شما را دارد و نسخه‌ای اهریمنی از شما است که به‌طور کامل از مواد مخدر تشکیل شده است. البته ممکن است هیچ کار دیگری انجام ندهد جز اینکه بخواهد آن مواد مخدر را مصرف کنید. نمی‌تواند تحمل کند که بدون مواد مخدر سپری کند. زیرا هم‌اکنون موجودی زنده است. سپس چه می‌شود؟ اگر مصرف مواد مخدر را متوقف کنید، ضعیف‌تر و ضعیف‌تر می‌شود زیرا بدن شما متابولیسم دارد و درنهایت خواهد مرد. از آنجاکه نمی‌خواهد بمیرد، شما را مجبور می‌کند به مصرف آن ادامه دهید تا آن را قوی‌تر کنید.

همین مسئله برای گشت‌وگذار در اینترنت و انجام بازی‌های کامپیوتری نیز صدق می‌کند و همین اصول برای آنها نیز به‌کار می‌رود. «تصمیم داری آن را رها کنی. می‌خواهی آن را رها کنی تا من بمیرم؟» به شما اجازه نمی‌دهد. «باید کاری کنم که در اینترنت مشغول گشت‌وگذار باشی.» اگر سعی کنید این کار را نکنید، با کار و مطالعه‌تان مداخله می‌کند و کاری می‌کند که ذهن تان در طلب آنها باشد. اگر امتناع ورزید، حتی ممکن است مجبور تان کند این کارها را در رؤیاهایتان انجام دهید.

انسان‌ها... فکر می‌کنم... به راحتی توسط سایر موجودات کنترل می‌شوند. بدن بشری فقط ظرفی است که از مواد غذایی مختلفی ساخته می‌شود که فرد آنها را مصرف کرده است و والدین، این بدن را می‌دهند. با خوردن مواد غذایی مختلف رشد می‌کند، اما بسیار ضعیف است، چراکه هر چیزی می‌تواند آن را کنترل کند. چیزهایی که در بُعدهای دیگر شکل می‌گیرند همگی باهوش هستند. گرچه ممکن است سطح‌شان پایین باشد، اما می‌توانند مردم را کنترل کنند زیرا بدن بشری ضعیف است.

پرسش: هر روزه ده‌ها هزار گردشگر چینی از سرزمین اصلی چین به مکان‌های روشنگری حقیقت در منطقه ما می‌آیند. افرادی کافی نداریم تا حقیقت را روشن کنیم. اما درک تمرین‌کنندگان در منطقه‌مان به سطحی نرسیده که این کار را انجام دهند. برخی می‌گویند نیازی نداریم اکنون حقیقت را روشن کنیم. برخی حتی وقتی به این مکان‌ها می‌روند حقیقت را روشن نمی‌کنند، بلکه آنجا فا مطالعه می‌کنند یا با تلفن همراه‌شان بازی می‌کنند. شاگردان قدیمی به ندرت برای روشنگری حقیقت به این مکان‌ها می‌آیند.

استاد: بسیار خوب، اصلاح فا هنوز تمام نشده بنابراین سه کاری که مریدان دافا انجام می‌دهند پایان نیافته است! منظور تان از «تمام شده» یا «نیازی نیست حقیقت را روشن کنیم» چیست؟ این همه موجود در انتظار نجات هستند، چگونه می‌تواند پذیرفتنی باشد که حقیقت را روشن نکنید؟! حتی من در حال کمک به شما برای انجام آن هستیم! نجات مردم عادی قرار است کار شما باشد. [شیوه‌ای که قرار است باشد بدین صورت است که] من شما را نجات می‌دهم و شما مردم عادی را نجات می‌دهید. حالا حتی من در حال کمک به شما هستیم تا آن را انجام دهید. اگر آن را انجام ندهید، آیا هنوز مرید دافا هستید؟ در لحظه نهایی که همه بدهی‌ها قرار است تسویه شود، چگونه مورد قضاوت قرار می‌گیرید؟ برای اشک ریختن خیلی دیر خواهد بود.

پرسش: رسانه‌های ما اطلاعات خاصی را بر اساس گفته‌های «منابعی» که نام‌شان فاش نشده، گزارش کرده‌اند، مانند پیش‌بینی‌های سیاسی یا عزل و نصب مقامات. در گذشته رسانه‌های ما به این نوع «خبرهای انحصاری» ارائه شده توسط جاسوسان ح.ک.ج اعتماد می‌کردند، اما درنهایت به این منجر شد که اعتبار روزنامه‌مان تحت تأثیر قرار گرفت. این مسئله باعث شده مردم عادی درک نادرستی درباره ما شکل دهند و فکر کنند که ح.ک.ج از رسانه‌های ما استفاده کرده بود.

استاد: بله، مسائل در هنگ کنگ کمی پیچیده است و باید مراقب باشید. برخی افراد را از رفتارشان می‌توانید تشخیص دهید چگونه تزکیه کرده‌اند یا چه نوع افرادی هستند. فقط نگذارید احساسات شخصی تان در آن مخلوط شود. اگر با کسی رابطه خوبی داشته باشید و فکر کنید که آن شخص خیلی خوب است، در حال استفاده از وابستگی‌ها و احساسات بشری برای ارزیابی هستید.

در عوض، ارزیابی‌تان را بر اساس فا انجام دهید و خواهید دید فرد واقعاً چگونه است، شامل چگونگی وضعیت تزکيه‌اش. می‌توانید با یک نگاه بگویید او چه نوع شخصی است.

پرسش: مایلم در این باره بپرسم که وقتی رویداد بزرگی در هنگ کنگ برگزار می‌شد برخی از مریدان دافایی که از سایر کشورها برای شرکت در آن آمدند از ورودشان جلوگیری شد و برگردانده شدند. اخیراً کنترل مرزی هنگ کنگ اهریمنی‌تر شده است. **استاد:** بله، این مسائل را می‌دانم. من نیز درحال تماشای آنان هستم. اما مریدان دافا، مریدان دافا هستند و فوق‌العاده‌اند.

پرسش: برخی از شاگردان خودشان گروهی را شکل دادند و به مناطق مختلف رفتند تا شن یون را تبلیغ و در طول اجرای نمایش کمک کنند. ماهیت افراد در این گروه‌ها نسبتاً پیچیده است، به طوری که برخی پیش‌زمینه نامعینی دارند. اکثر آنها از انجمن دافا توصیه‌نامه ندارند. این شاگردان باعث بهم‌ریختگی در محیط تزکیه شهرهایی شده‌اند که شن یون آنجا برنامه داشته است.

استاد: به نظر نمی‌رسد به این وخامت باشد. فکر می‌کنم وقتی افراد به طور فعال سعی می‌کنند به پروژه‌های دافا کمک کنند، باید آنها را ترغیب کرد. اگر فکر می‌کنید برخی اشخاص برای کاری که انتخاب کردند مناسب نیستند، می‌توانید با فرد سازمان‌دهنده صحبت کنید و اگر تأثیری نداشت و آن مسئله‌ای مهم باشد، می‌توانید با مدیر شرکت شن یون صحبت کنید. این قدر مسئله مهمی نیست.

پرسش: اپک تایمز اکنون دیگر روزنامه‌ای رایگان نیست.

استاد: این امیدبخش و شایسته تبریک است. (تشویق) نسخه هنگ کنگ اپک تایمز به طور کامل روزنامه‌ای شده است که باید از کیوسک‌های روزنامه‌فروشی خریداری شود، که بدین معنی است که در چرخه سالم هستند و این عالی است.

پرسش: ... اما گفته شد که وضعیت خیلی بد است. مریدان فکر می‌کنند که هدف از انتشار اپک تایمز این است که حقیقت را روشن کرد و مردم را نجات داد.

استاد: به آن بدی نیست. فکر می‌کنم حتی اگر فقط ۱۰۰ نسخه فروخته شود، دستاورد محسوب می‌شود. وقتی اپک تایمز رسانه جریان اصلی اجتماع شود، آیا چیزی خوب نیست؟ باید به تصویر کلی نگاه کنید. درخصوص روشنگری حقیقت، اگر اپک تایمز استفاده نشود، می‌توانیم از رسانه‌های دیگر استفاده کنیم. آیا ویژن تایمز نیز وجود ندارد؟ می‌توانید نسخه رایگان آنها را پخش کنید. آنهایی که هنوز رایگان هستند می‌توانند کارهای زیاد و خوبی انجام دهند. می‌توانید مقالات قوی را به سایر رسانه‌های روشنگری حقیقت منتقل کنید. در این باره زیاد نمی‌گویم. این کار را تأیید می‌کنم.

پرسش: استاد یک ساعت است که صحبت کرده‌اند.

استاد: مشکلی نیست. (تشویق) نمی‌خواهم وقت ناهار شما را تحت تأثیر قرار دهم. برگه‌های پرسش زیادی باقی مانده و لطفاً پرسش بیشتری نفرستید.

پرسش: ح.ک.ج به حوزه‌های آموزش و پرورش و رسانه‌ها در غرب نفوذ کرده و مقدار زیادی از افکار و عقاید منحرف را در ذهن مردم در غرب تزریق کرده است، شامل تمرین‌کنندگان ما و در نتیجه، سختی نجات موجودات بیشتر شده است.

استاد: دشواری قطعی است، اما به آن شدت نیست. باید ماهیت فرهنگ ح.ک.ج را به آنها بگویید. آیا برخی افراد احساس نمی‌کنند که هیچ کاری برای آنها نیست که انجام دهند؟ می‌توانید بروید و سعی کنید این کار را انجام دهید.

پرسش: پی بردم که برخی از کسب و کارهای عادی، تی شرت‌های زردی درست می‌کنند و می‌فروشند که کلمات «فالون دافا» روی آنها چاپ شده است. آنها را به متقاضیان پناهندگی می‌فروشند تا در فعالیت‌های دافا بیوشوند. درخصوص این کسب و کارها باید چه کار کنیم؟

استاد: در برخی از کشورهایی که مهاجر می‌پذیرند، چنین چیزهایی می‌تواند مأموران مهاجرتی را فریب دهد. این وضعیت وجود دارد، اما اداره آن بسیار مشکل است. بروید و حقیقت را برای آن فروشندگان [به این شکل] روشن کنید: گرچه سود کردید، در کل خیلی نیست، اما کار بسیار بدی انجام دادید. به آنها بگویید که از چه نظر این مسئله جدی است. اما از منظری دیگر، اگر همه مردم سراسر دنیا تی شرت‌هایی بپوشند که عبارت «فالون دافا خوب است» روی آن باشد، ح.ک.چ خواهد ترسید. (تشویق)

پرسش: درحال حاضر بسیاری از شاگردان اختلافاتی با انجمن‌های دافا دارند و برخی از آنها خیلی شدید است. به نظر من، از یک سو، مشکلات انجمن دافا که شاگردان به آنها اشاره می‌کنند وجود دارد و از سوی دیگر، نقشی که انجمن دافا در طول اصلاح فایفا می‌کند جایگزین ناپذیر است. به عنوان شاگردی عادی، چگونه باید این مشکلات را اداره کنیم؟

استاد: آنهایی که تازه از سرزمین اصلی آمده‌اند دوست دارند این بهم‌ریختگی‌ها را ایجاد کنند. مسائل در خارج از چین به‌طور متفاوتی انجام می‌شوند. انجمن‌های محلی دافا هم‌اکنون مریدان دافا را از میان سخت‌ترین دوره با موفقیت عبور داده‌اند. آنها می‌دانند نحوه عملکرد اجتماع خارج از چین چگونه است و می‌دانند کارها را چگونه انجام دهند و این‌گونه نیست که تصور کرده‌اید! مطلقاً نباید کاری کنید که گروهی از افراد، مخالف انجمن دافا شوند. چنین کارهایی را انجام ندهید! کارهایی که انجام می‌دهید شیطان را شاد می‌کند. انجمن‌های دافا صرفاً جهت کلی را ارائه می‌کنند، فعالیت‌های گروهی را سازمان‌دهی می‌کنند، مطالعه گروهی فا را برنامه‌ریزی می‌کنند و مانند آن. نباید آنها را مانند استاد در نظر بگیرید؛ نباید انتظار داشته باشید که آنها به‌طور موفقیت‌آمیزی تزکیه کرده و خدا شده‌اند و هیچ کوتاهی ندارند. نقش آنها فقط این است که شرایطی فراهم کنند افراد با همدیگر کار کنند. خود شما باید این کارها را شروع کنید و انجام دهید، اما همیشه به بیرون نگاه می‌کنید.

وقتی کاری می‌کنید که اعضای انجمن در مقابل دیگران بد به نظر برسند، البته که آنان نیز اشخاصی هستند که درحال تزکیه‌اند. وقتی احساسات بشری‌شان برانگیخته شود، می‌خواهند وجهه خود را حفظ کنند تا برایشان راحت‌تر باشد که افراد را به انجام کارها هدایت کنند. از این رو وابستگی‌های آنها نیز برانگیخته می‌شود. هر چه بیشتر آن را برایشان سخت کنید، وابستگی‌هایشان بیشتر ظاهر می‌شود. آیا این کار، محیط خود مریدان دافا را مختل نمی‌کند؟

می‌دانید که آنان خدا نیستند، افرادی نیستند که تزکیه را کامل کرده باشند. آنها مانند شما هستند به‌جز اینکه استاد کارهایی را به آنان سپرده و از آنها خواسته که آن کارها را انجام دهند. همیشه به بیرون نگاه می‌کنید و در طلب چیزهای بیرونی هستید. عادت‌هایی را از سرزمین اصلی چین به اینجا نیاورید!

پرسش: مدت زیادی است که مقاله هیئت تحریریه مینگهویی با عنوان «آنچه که همه شاگردان دافا باید بدانند» منتشر شده است. هنوز هم شاگردانی خارج از چین وجود دارند که از عذر و بهانه‌های مختلفی استفاده می‌کنند تا به استفاده از نرم‌افزارهایی ادامه دهند که ح.ک.چ کنترل می‌کند. باور داریم که هر بار هیئت تحریریه اطلاعیه یا الزامی منتشر می‌کند، آزمایشی برای تمرین کنندگان است تا به ورای بشر بودن بروند. آنهایی که نمی‌توانند پیروی کنند، خواهان آن نیستند که ورای قلمرو بشری بروند.

استاد: تمام تلفن‌های همراه، کامپیوترها و سایر وسایل الکترونیکی که همراه خود حمل می‌کنید و به اینترنت متصل هستند، به‌عنوان ابزار استراق سمع عمل می‌کنند. فقط ح.ک.چ پلید نیست که به مریدان دافا بیشتر و بیشتر علاقه‌مند می‌شود. بگذارید به شما بگویم که بسیاری از کشورها درحال پایش شما هستند. ممکن است فکر کنید شاگردی عادی هستید و ایمن هستید، اما آنها حتی مکالمات روزمره شما را ضبط می‌کنند، از جمله وقتی برای خرید به خواربارفروشی می‌روید و غذا می‌خورید؛ هر چیز ممکن

درباره شما را تحلیل می‌کنند. آیا می‌دانید کسب‌وکارها چگونه «هوشمندی کسب‌وکار» را انجام می‌دهند؟ بر اساس همین چیزها است. تا وقتی که تلفن همراه با خود داشته باشید چیزهای زیادی درباره شما فهمیده‌اند.

پرسش: در سرزمین اصلی چین، آن وکیل‌هایی که شهادت آن را دارند که از حقوق قانونی مریدان دافا حمایت کنند به‌طور پیوسته سرکوب می‌شوند. برای هم‌تمرین‌کنندگانی که دستگیر شدند و تحت آزار و شکنجه قرار گرفتند بسیار مشکل است که وکیل پیدا کنند. آیا این مسئله در نتیجه این است که ما بیش از حد به وکلا تکیه کردیم؟ چگونه باید این مسئله را اداره کنیم؟

استاد: هرطور که فکر می‌کنید بهترین است، آن را اداره کنید. اگر اینجا به شما بگویم چه کاری باید انجام دهید، ح.ک.چ قبل از شما اقدام می‌کند. خرد خود را برای انجام آن به کار ببرید.

پرسش: اخیراً شاگردی سختی‌های بسیاری در تزکیه تجربه کرد و مجبور شد از پروژه‌اش خارج شود. سایر هم‌تمرین‌کنندگان هم/کنون مسئولیت‌های متعددی دارند و با پروژه‌های خود خیلی مشغول هستند. گرچه گاهی اوقات می‌خواهند به او کمک کنند تا بر سختی‌اش غلبه کند، نمی‌توانند به میزانی که می‌خواهند، به او کمک کنند. چگونه می‌توانیم این مسائل را بهتر متعادل کنیم و به هم‌تمرین‌کنندگان، بیشتر کمک کنیم؟

استاد: هر چیزی که در تزکیه روی می‌دهد برای شماست تا تزکیه کنید. اگر بخواهید از من بپرسید، به محض اینکه به شما بگویم چه کار کنید، آن آزمون از بین می‌رود. گرچه بسیار دشوار است، و آن را می‌بینم، اما آیا آن همان مشکلی نیست که باید آن را اداره کنید؟ این گونه نیست که همه تضادها منفی هستند؛ آنها جنبه مثبتی نیز دارند. آیا چگونگی برخورد با مشکلاتی که روی می‌دهند تزکیه شما نیست؟

گاهی اوقات هماهنگ‌کننده منطقه‌ای یا هماهنگ‌کننده یکی از پروژه‌ها اصرار می‌کند که مرا ببیند، اما من نمی‌خواهم آنها را ببینم. گاهی اوقات هماهنگ‌کننده منطقه‌ای می‌خواهد با من ملاقات کند و از آنجاکه او هماهنگ‌کننده است، استاد باید با او ملاقات کند. گاهی اوقات فکر می‌کنم که اگر با او ملاقات نکنم، ممکن است قابل درک نباشد، چراکه او هماهنگ‌کننده است؛ اما اگر قرار باشد با او ملاقات کنم نیز واقعاً نمی‌خواهم این کار را انجام دهم! چرا نمی‌خواهم با او ملاقات کنم؟ آیا علت آن را می‌دانید؟ بدین علت است که اگر با شما ملاقات کنم، به محض اینکه به پرسش‌ها و موضوعاتی که مطرح می‌کنید پاسخ دهم، آزمون‌ها همگی از بین می‌روند. اما اگر وقتی با شما ملاقات می‌کردم دهانم را بسته نگه می‌داشتم، آن نیز درست به نظر نمی‌رسید، آیا این گونه نیست؟ هرچه باشد، شما تزکیه‌کننده هستید، نمی‌توانید همیشه با من، استادتان، مانند رئیس مافوق رفتار کنید و دستور بگیرید. اما استاد فقط مراقب تزکیه است؛ استاد، رئیس شما نیست. برای مسائلی که روی آن کار می‌کنید، باید راه‌هایی را بیابید تا مسیر خودتان را بیمایید. خودتان خوب عمل کنید، این مسیری است که در تزکیه برمی‌گزینید و این تقوای عظیم شما است.

کارهایی که انجام می‌دهید به خودی خود تزکیه نیست. خواه شرکتی باشد که اداره می‌کنید، یا پروژه دافا، یا هر کاری که انجام می‌دهید، آن به خودی خود تزکیه نیست. اما رویکردی که در کارتان برمی‌گزینید، اینکه چگونه این موضوعات را اداره می‌کنید و این مشکلات را حل و فصل می‌کنید و آنها را مطابق با استاندارد مرید دافا و تزکیه‌کننده انجام می‌دهید و به‌خوبی آنها را اداره می‌کنید، این چیزی است که آن را تزکیه می‌سازد! اما وقتی پی می‌برید که چیزی دشوار است، می‌خواهید از استاد بپرسید چگونه آن را انجام دهید. «باید از استاد بپرسم که آیا در این مسئله، کار درست را انجام داده‌ام.» همیشه مسیری را که باید خودتان بیمایید از من می‌خواهید بیمایم. نمی‌دانید که وقتی با شما ملاقات می‌کنم، شما از دیدن من بسیار خوشحال هستید و من نیز وانمود می‌کنم که خوشحالم، اما در درون خوشحال نبودم. (استاد می‌خندند)

زیرا همان‌طور که می‌دانید، انسان‌ها در میان ندانستن‌ها تزکیه می‌کنند؛ وقتی نمی‌دانید در تزکیه‌تان درست عمل کرده‌اید یا خیر، هنوز باید به تزکیه ادامه دهید؛ تا وقتی در انتها به کمال برسید باید به این شکل ادامه دهید. زیرا فقط وقتی تزکیه محسوب

می‌شود که کاملاً مطمئن نیستید که آیا کاری درست است یا خیر و هنوز بر اساس قضاوت خود به پیش می‌روید. اگر از من می‌پرسیدید، به حساب نمی‌آمد. آیا در این صورت بیهوده انجام نداده بودید؟ برخی افراد [برای توجیه ملاقات با من] فکر می‌کنند: «هیچ چیزی نمی‌پرسم، صرفاً از دیدن استاد خوشحال خواهم شد.» اما به محض اینکه مرا ببینید و آن، خیال‌تان را دربارهٔ چیزی راحت کند، آنچه انجام می‌دهید یا انجام دادید دیگر به حساب نمی‌آید.

به‌خاطر اینکه مریدان دافا هستند، الزامات برای شما باید بالا باشد. در گذشته وقتی افراد مقابل دیوار در مدیتیشن می‌نشستند، از چه کسی می‌توانستند سؤالاتی بپرسند؟ گرچه فقط آنجا می‌نشستند، اما ذهن‌شان اصلاً ساکن نبود. انواع و اقسام سختی‌ها و آزمون‌ها ظاهر می‌شد تا دیده شود چگونه آنها را اداره می‌کردند. هیچ کسی را نداشتند که بپرسند. طبیعتاً الزامات برای شما بالاتر از آنها قرار دارد، چراکه آنها در طلب کمال فردی بودند درحالی که شما مسئولیت عظیم نجات موجودات ذی‌شعور را بر دوش دارید. شما مریدان دافا هستید و سطحی که در تزکیه قرار است به آن برسید بسیار بالاتر از سطح آنها است و الزامات شما بالاتر است. آیا می‌دانید که اوایل، نیروهای کهن سعی کردند مرا مجبور کنند به قطب شمال بروم؟ آنها نمی‌خواستند شما را ببینم و نمی‌خواستند شما بتوانید مرا پیدا کنید.

پرسش: من هماهنگ‌کننده‌ای در رسانه‌ها هستم. اخیراً بسیاری از افراد جوان به رسانه‌های ما ملحق شده‌اند و برخی، تمرین‌کنندگان مسن نیز داریم. آنها به شدت کار می‌کنند اما رشد مهارت‌هایشان محدود است. آیا ما باید...

استاد: درباره موضوعات مرتبط با کار از من می‌پرسید. (استاد می‌خندند) واقعاً مرا مانند رئیس خود در نظر می‌گیرید.

پرسش: مریدان باید چه کار کنند تا زحمت شما را کاهش دهند؟

استاد: (استاد می‌خندند) نیازی نیست درباره این نگران باشید. هیچ‌یک از شما نمی‌توانید کاری انجام دهید. هیچ راهی نیست؛ حتی نمی‌توانم درباره وضعیت به شما بگویم. گفته‌ام که: «مکان‌های بالا تنهایی [و سرمای تحمل‌ناپذیری] می‌آورند.» مانند آن چیزی نیست که تصور کرده‌اید: مانند آنچه بر فردی عالی‌رتبه می‌گذرد، که نمی‌تواند با کسی درددل کند و حداکثر این است که کمی احساس تنهایی دارد. من باید فشاری عظیم و نیز سختی‌های تمام موجودات ذی‌شعور را تحمل کنم. (همه مریدان ضمن ابراز قدردانی تشویق می‌کنند)

پرسش: چگونه برخی از پدیده‌های رژیم کنونی و جنگ تجاری ایالات متحد و چین را در تفسیر خبری‌مان اداره کنیم؟

استاد: ح.ک.چ پلید، فالون گونگ را تحت آزار و شکنجه قرار داده است، مگر نه؟ آن را افشا کنید و بگذارید همه مردم از تمام کارهای وحشتناک و زشت حزب مطلع شوند. تمام شیوه‌هایی که رژیم فرومایه حزب پلید اختیار می‌کند نامشروع است و آن، ریشه تمام مشکلات جامعه است. هیچ کسی نمی‌خواهد خود را در سمت آن قرار دهد.

پرسش: به محض اینکه شاگردی با مشکلاتی مواجه می‌شود مانند سختی جسمی یا سایر سختی‌ها، سایر تمرین‌کنندگان همیشه می‌گویند: «باید به این علت باشد که او مشکلاتی دارد،» و خیلی سخت تلاش می‌کنند به او کمک کنند به درون نگاه کند.

استاد: بگذارید به این شکل بیان کنم: اگر مرید دافا با برخی سختی‌ها یا از بین بردن کارما مواجه شود، باید علتی در سمت او وجود داشته باشد و باید به درون خود نگاه کند. بله، پس از یافتن آن و خوب رفتار کردن، بلافاصله پس از آن، وضعیت برمی‌گردد و در جهت مثبت تغییر می‌کند و بهتر می‌شود. برخی افراد وقتی دیگران نقاط ضعف‌شان را می‌گویند مایل نیستند بشنوند. مخصوصاً برای شاگردی که در بین سختی قرار دارد، او هم‌اکنون در حال زجر کشیدن است و وقتی می‌گویید: «باید مشکلاتی داشته باشی،» پذیرش آن برایش سخت‌تر می‌شود و مایل نیست گوش کند. اگر مایل نباشد گوش کند، بیایید سعی کنیم درباره رویکردهایمان کمی بیشتر فکر کنیم.

پرسش: گروه‌های مختلفی وجود دارند که تلاش‌ها برای تحقیق درباره برداشت اعضای بدن و روشنگری حقیقت برای جریان اصلی جامعه را هماهنگ می‌کنند. مایلم بپرسم آیا باید این گروه‌ها را ادغام و با هم همکاری کنیم؟

استاد: دوباره، بهتر است که خودتان درباره این مسئله صحبت و آن را حل و فصل کنید. کاری را انجام دهید که فکر می‌کنید مؤثرتر است. اگر ترکیب کردن تلاش‌ها و همکاری با هم مؤثر است، پس آن را انجام دهید؛ اگر آن را جداگانه انجام می‌دهید و در حال ایفای نقش‌های مختلف در مناطق مختلف هستید، آن نیز مؤثر است. در هر حالت، خودتان تصمیم بگیرید و هر یک از این دو رویکرد خوب است.

پرسش: اخیراً اوضاع بین‌المللی تغییرات زیادی کرده است و وضعیت تایوان کمی پیچیده به نظر می‌رسد. مایلم از استاد درخواست کنم چند کلمه درباره مریدان تایوانی صحبت کنند.

استاد: بسیار خوب، پس چند کلمه‌ای صحبت می‌کنم. (مریدان می‌خندند و تشویق می‌کنند) بیشترین نگرانی‌تان این است که ح.ک.چ پلید دوباره تایوان را به چین ملحق کند، مگر نه؟ بگذارید به شما بگویم چنین اقبالی به ح.ک.چ داده نشده است. (تشویق) درخصوص اینکه پس از رفتن ح.ک.چ پلید چه اتفاقی خواهد افتاد، خدایان از مدت‌ها پیش نظم و ترتیب دادند. وقتی ح.ک.چ پلید از صحنه خارج شود، هیچ کسی چیزی را [بر تایوان] تحمیل نخواهد کرد. اگر مردم [تایوان و سرزمین اصلی] بخواهند یکی شوند، این‌گونه خواهد شد؛ اگر نخواهند، مجبور نخواهند بود.

اما من خودم را درگیر چنین چیزهایی نمی‌کنم. آنچه در ذهن من است مردم کل دنیا است. بدون توجه به اینکه از چه ملیت و منطقه‌ای باشند، می‌خواهم همه را نجات دهم و برهانم. همین امر برای مریدان دافا صدق می‌کند. این یا آن شخص را دست‌کم نگیرید. گرچه ممکن است مردم از ملیت‌های مختلفی باشند و ظاهرشان شبیه هم نباشد، اما اکثراً موجودات خدایی هستند. مردم امروزه از مردم گذشته متفاوت هستند.

پرسش: در عصر اینترنت، اخبار جعلی همه جا هست و تشخیص واقعی از تقلبی سخت است. درخصوص انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ در تایوان و آمریکا، آیا اخبار جعلی بر قضاوت مردم تأثیر خواهند داشت؟

استاد: در عصر هرج و مرج، به‌هم‌ریختگی همه جا هست و برای مردم بسیار سخت است که حتی چیزی خوب به‌دست بیاورند. این تجلی عصر هرج و مرج است. در طول انتخابات ایالات متحده، بسیاری از افراد انتظار نداشتند که ترامپ انتخاب شود اما او انتخاب شد. برخی بر این باور بودند که امور قرار است به شیوه خاصی پیش برود، اما درنهایت به شکل دیگری شد. همیشه درباره موضوعی صحبت کرده‌ام؛ گفتم که خدایان در حال کنترل امور انسان‌ها بوده‌اند و آنها هستند که حرف آخر را می‌زنند. اگر بیش از حد بگویم و به جزئیات پردازم، روی نجات موجودات ذی‌شعور تأثیر خواهد گذاشت، پس به جزئیات نمی‌پردازم. (تشویق)

پرسش: بیش از ده سال است که بستگانم در چین را ندیده‌ام. مایلم از استاد بپرسم آیا فرصت‌هایی برای ما وجود دارد که به چین بازگردیم؟

استاد: برای مریدان دافا، بخشی از وابستگی‌های بشری برای شما نگه داشته می‌شود تا بتوانید مردم را نجات دهید و در میان مردم عادی زندگی کنید. داشتن این افکار نمی‌تواند به‌عنوان وابستگی در نظر گرفته شود چراکه هر کسی می‌خواهد خانواده‌اش را ببیند. از من می‌خواهید تأیید کنم که آیا می‌توانید آنها را ببینید یا خیر. اگر این را بگویم درست به نظر نمی‌رسد، مگر نه؟ (استاد می‌خندند) زیرا هنوز باید تزکیه کنید. الان با صحبت درباره اوضاع کنونی امور شروع کردم. به نظر می‌رسد شرایط به‌سرعت در حال پیشرفت است و وقتی زمان ح.ک.چ پلید تمام شود، به‌سرعت از هم می‌پاشد و خیلی سریع سقوط می‌کند. (تشویق) یک موج (استاد از دست‌ان خود برای نشان دادن یک موج بالا رونده استفاده می‌کنند) وقتی بالا می‌آید، می‌غلطد و مدتی طول می‌کشد تا به اوج خود برسد؛ اما وقتی پایین می‌آید (استاد از دست‌ان خود برای نشان دادن سقوط موج استفاده می‌کنند)، فش... به‌سرعت

سقوط می‌کند. (استاد می‌خندند، حضار تشویق می‌کنند) افرادی که کارهای بدی انجام دادند هرطور هم که بخواهند فرار کنند، فرصتی برای فرار نخواهد داشت.

پرسش: ده‌هزار مرید دافایی که از سراسر دنیا در این کنفرانس فاش شرکت کردند به استاد مهربان درود می‌فرستند!

استاد: از همگی سپاسگزارم! (تشویق پرشور)

پرسش: اکنون بسیاری از هماهنگ‌کنندگان اغلب می‌گویند: «این شخص مشکوک است.» به محض گفتن این حرف، جایگاه این شاگرد در جمع ما ممکن است بلافاصله تغییر کند. بنابراین هماهنگ‌کننده می‌تواند این شاگرد را از حق و فرصت همکاری در پروژه‌ها محروم کند.

استاد: هماهنگ‌کنندگان ما نباید به‌طور سرسری چنین چیزهایی بگویند. حتی اگر پی ببرید که فردی مسائلی دارد، باید به آرامی او را مشاهده کنید و تا وقتی به مرحله بحرانی نرسیده چیزی نگویید. اما برخی افراد رفتارهای عجیبی را به‌نمایش می‌گذارند و برای انجام کارها به روش‌های خود می‌چسبند. درواقع اگر در تزکیه و زندگی روزانه‌تان، رفتار خود را بیشتر بررسی کنید، نگاه دقیق‌تری به وضعیت تزکیه‌تان بیندازید و خودتان را با دیگران مقایسه کنید، آیا بیش از حد عجیب رفتار نکرده‌اید؟ آیا شما نیز افراطی رفتار نکرده‌اید؟ آیا درخصوص شیوه‌های خود بیش از حد سرسخت نیستید؟! از آنجاکه در اجتماع بین‌المللی هستید، رفتارتان ممکن است به‌راحتی باعث شود دیگران فکر کنند در این برهه حساس، مشکوک هستید. پس هر دو طرف [هماهنگ‌کنندگان و تمرین‌کنندگان] باید به این موضوع توجه کنند.

به‌طور مکرر تأکید کرده‌ام شاگردانی که سرزمین اصلی چین را ترک کرده‌اند باید به این مسائل توجه کنند. آن رفتارها و شیوه‌های عجیب و رویکردهای افراطی به مسائل، واقعاً مناسب نیستند. حتی فیلم‌های تلویزیونی در اجتماع چینی مملو از این است که مردم علیه یکدیگر نقشه می‌کشند و این را خارج از چین نمی‌بینید. آنچه آثار ادبی و هنری به تصویر می‌کشند همگی نقشه و دسیسه است، انسان‌های عادی و همین‌طور تبهکاران، علیه یکدیگر نقشه می‌کشند. آثار ادبی و هنری، رمان‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و فیلم‌ها از این چیزها پر است، انگار مردم هیچ کار دیگری ندارند جز اینکه علیه یکدیگر نقشه بکشند و دسیسه کنند. هر چه در فیلم‌ها یا برنامه‌های تلویزیونی، افراد بیشتر علیه دیگران بدون تردید نقشه بکشند و با آنها بجنگند، به‌نظر می‌رسد مردم بیشتر آنها را دوست داشته باشند. قلب مردم آن‌گونه شده و به شکل پیچیده‌ای به مسائل نگاه می‌کنند. برای اصلاح خود واقعاً باید به‌طور ویژه‌ای توجه کنید.

وضعیت و حالت مردم را قبل از انقلاب فرهنگی در چین تجربه کرده‌ام. تغییرات در مردم چین را در هر قدم از این راه دیده‌ام و آنها را به‌وضوح دیده‌ام. همیشه متفاوت از مردم عادی بوده‌ام. من با جریان‌ها همراه نمی‌شوم و بر طبق جنبش‌های حزب پلید حرکت نمی‌کنم. همیشه آگاه باقی مانده‌ام و ماهیت مسائل حزب پلید را دیده‌ام. مردم دنیا همگی در این جریان‌ها گم شده‌اند و خودشان نمی‌توانند به‌وضوح ببینند. آرام شوید و نگاهی به خودتان بیندازید. به افراط نروید و نگذارید دیگران احساس کنند شما عجیب هستید. اگر بتوانید این کار را انجام دهید، مشکلات در میان تمرین‌کنندگان به این پیچیدگی نخواهد بود.

مخصوصاً تمرین‌کنندگان قدیمی که مدتی طولانی خارج از چین زندگی کرده‌اند، آنها نمی‌دانند چگونه با شما که تازه از سرزمین اصلی چین آمده‌اید کار کنند. گرچه آنها نیز در ابتدا از سرزمین اصلی چین آمدند، افرادی که در آن روزها چین را ترک کردند این‌گونه نبودند. مردم چینی امروزه بسیار تغییر کرده‌اند و تمرین‌کنندگانی که مدت زیادی خارج از چین زندگی کرده‌اند متعجب می‌شوند که چه اتفاقی افتاده است.

استاد زیاد صحبت نمی‌کند. «مرید دافا» عنوان خاصی است که از بدو خلقت هرگز وجود نداشته است. اصلاح فای جهان نیز هرگز در گذشته روی نداده است. در گذشته وقتی جهان، دیگر به اندازه کافی خوب نبود، نابود می‌شد و سپس جهان جدیدی خلق می‌شد. همان‌طور که همگی می‌دانید، موجودات خدایی این قدرت را دارند که فقط با فکر کردن درباره چیزی آن را خلق

کنند. اما درخصوص جهان جدید، تنها موضوع این است که آن موجودات اولیه و بهترین‌های آنچه در طول گذشت زمان بسیار طولانی شکل گرفت، از بین برود. هیچ چیزی باقی نمی‌ماند، هر چیزی دوباره خلق می‌شود و وقتی هر چیزی دوباره از چنان روندی بگذرد، مشکل بتوان گفت که آیا چیزها به‌گونه‌ای خواهند بود که در ابتدا بودند. بنابراین فکر می‌کنم از دست دادن تمام آنها مایهٔ تأسف است. به‌علاوه، هر چه باشد، این موجودات را موجودی خدایی خلق کرده است و آن موجود خدایی از روی رحمت می‌خواست که آنها را نگه دارد، از این‌رو او این تعهد را پذیرفت.

به‌عبارت دیگر، این چیزی بی‌سابقه است. از زمان شروع آسمان و زمین، هرگز پدیدهٔ عظیم کیهانی اصلاح فای جهان وجود نداشته است و از زمان شروع آسمان و زمین، هرگز مریدان دافا وجود نداشته‌اند. استاد این فرصت باشکوه را پدید آورد و شما را راهنمایی کرد تا وارد این لحظهٔ تاریخی شوید. باید خود را به‌خوبی تزکیه کنید و درحالی که موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهید ارزش و توانایی خود را نشان دهید و حتی بهتر عمل کنید!

از همگی سپاسگزارم! (تشویق پرشور و طولانی حضار)